



# اولیین نیاثت مطیر کتاب مکتوب

محمد باقر انصاری

## درباره حضرت مهدی





**اولين ميراث مکتوب**

**درباره حضرت مهدی عليه السلام**

محمد باقر انصاری

اولین میراث مکتوب درباره حضرت مهدی علیه السلام

محمد باقر انصاری

انتشارات دلیل ما

چاپ سوم: بهار ۱۳۸۶

تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه

چاپ نگارش

لیتوگرافی پرتوشمس

قیمت: ۵۵۰ تومان

شابک: ISBN ۹۶۴-۳۹۷-۱۲۷-۹

آدرس: قم، خیابان معلم، میدان روح الله، پلاک ۶۵

تلفن و نمابر: ۷۷۳۳۴۱۳-۷۷۴۴۹۸۸

صندوق پستی ۱۱۵۳-۳۷۱۳۵

WWW.Dalilema.com

info@Dalilema.com



انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

- (۱) قم، انتهای خیابان صفائیه، بعد از کوچه ۳۹، پلاک ۷۵۹، طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱-۷۷۳۷۰۱۱
- (۲) تهران، انقلاب، فخر رازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۳۲، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- (۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما تلفن ۲۲۳۷۱۱۳-۵

انصاری، محمد باقر، ۱۳۳۹ -

اولین میراث مکتوب درباره حضرت مهدی علیه السلام / محمد باقر انصاری - قم: دلیل ما،

۱۳۸۴.

۸۰ ص.

ISBN 964 - 397 - 127 - 9

ص.ع. به انگلیسی

The First Written Heritage about Hazrat Mahdi(P)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

چاپ سوم: ۱۳۸۶.

۱. محمد بن الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / الف ۷۷

۱۶۶۶۵ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اهداء

به سلیم بن قیس هلالی

که در تاریک‌ترین روزهای سقیفه

اولین میراث علمی اسلام را

برای نسل‌های مسلمین تدوین نمود.

میلاد با سعادت قطب عالم امکان

حضرت ولی عصر (عج) مبارکباد.

شرکت پائیز نقش جهان

اصفهان - سپاهان شهر - ۰۹۱۳۱۶۶۷۰۵۳

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولین قلمی که به نام حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام، چهاردهمین معصوم، آخرین حجت پروردگار، امام دوازدهم، مهدی صاحب الزمان علیه السلام، بر روی کاغذ آمده و تاریخ حیات و فضایل آن حضرت را ثبت کرده، کتاب سلیم بن قیس هلالی است.

با توجه به اهمیت فرهنگی این موضوع، جستجوی وسیعی برای یافتن نخستین میراث مکتوب در این زمینه صورت گرفت و کتاب‌های متعددی شناسایی شد. نتیجه این اقدام آن بود که هیچ تألیفی مقدم بر کتاب سلیم در این زمینه یافت نشد؛ که نگارش آن از سال‌های آغازین رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شده و در سال ۷۶ هجری با رحلت مؤلف کار تألیف آن هم پایان یافته باشد.

مؤلف آن نیز از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و سه امام بعد از ایشان بوده، و آنچه او درباره حضرت مهدی علیه السلام و علائم و دوران ظهورش نقل کرده به نقل از معصومین علیهم السلام و اصحاب مورد اعتمادشان بوده است.

در نتیجه، آنچه در کتاب سلیم درباره امام زمان ﷺ آمده از یک سو از لسان پیامبر و ائمه ﷺ و اصحابشان به ثبت رسیده، و بارها توسط ایشان مورد تأیید قرار گرفته است؛ و از سوی دیگر به دست سلیم - یکی از اصحاب با وفای امامان ﷺ و سابقه داران مکتب اهل بیت ﷺ - تدوین شده است.<sup>۱</sup>



با توجه به این نکته، استخراج و تنظیم فرازهای مربوط به امام زمان ﷺ از کتاب سلیم، احیای اولین اثر فرهنگی اسلام درباره آن حضرت خواهد بود، که طی مراحل زیر آماده شده است:

۱. در انتخاب احادیث، آنچه مربوط به آن حضرت و غیبت طولانی‌اش و علائم ظهور و وقایع زمان حضورش و عالم رجعت در کتاب سلیم بوده گزینش شده است.

۲. از هر حدیث مقدار مربوط به حضرت تفکیک شده است. در این جدا سازی فقط به جمله خاصی که نام حضرت در آن بوده اکتفا نشده، بلکه مقطعی از متن که صورت داستانی ماجرا را حفظ می‌کند جدا گردیده، و جمله خاص آن با قلم سیاه‌تر مشخص شده است.

۳. برای هر حدیث یک شماره مسلسل در آغاز آن قرار داده شده؛ و در مقدمه هر یک شماره آن در کتاب سلیم ذکر شده است. بدین صورت نیازی به به ذکر شماره صفحه حدیث در کتاب سلیم نخواهد بود.

۱. درباره شرح حال سلیم و تاریخچه کتاب او به مقدمه «کتاب سلیم» و ترجمه فارسی آن «اسرار آل محمد ﷺ» مراجعه شود.

۴. تعداد احادیثی که در کتاب سلیم به حضرت مهدی علیه السلام ارتباط داشته ۱۹ حدیث است، که به همان ترتیب کتاب سلیم چیده شده و ترتیب آن چنین است: سرآغاز کتاب سلیم، ۱، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ۳۷، ۴۲، ۴۵، ۴۹، ۶۱، ۶۲، ۶۷، ۷۷، ۹۱، ۹۷.

۵. در پاورقی‌ها توضیحات لازم و آدرس آیات قرآنی و برخی نسخه بدل‌های مهم کتاب سلیم آورده شده است.

۶. در پایان کتاب دو فهرست آماده شده است: یکی فهرست مطالب و عناوین اصلی کتاب، و دیگری فهرست موضوعی که موضوعات مربوط به امام زمان علیه السلام را در کتاب سلیم نشان خواهد داد.



کتاب حاضر سپاسگزاری از کار عظیم سلیم بن قیس هلالی است که با توجه به اهمیت موقعیت زمانی و مکانی خود، این میراث گرانقدر را در شصت سال به ثمر رسانده است. به امید آنکه ما هم با مطالعه آن و آگاهی از معارف مربوط به حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام و معرفت به مقام آسمانی آن حضرت، پرونده فکری و اعتقادی خود را پر ثمرتر سازیم.

قم، محمد باقر انصاری

سالروز ولادت امام زمان علیه السلام

۱۵ شعبان ۱۴۲۶، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴



### ایمان به رجعت مانند قیامت

ابان می گوید: <sup>۱</sup> بعد از آن ابوالطفیل را در منزلش ملاقات کردم. او درباره «رجعت» <sup>۲</sup> از عده‌ای از اهل بدر و از سلمان و ابوذر و مقداد و ابی بن کعب برایم مطالبی نقل کرد.

ابوالطفیل گفت: مطالبی را که از اینان شنیده بودم در کوفه خدمت علی بن ابی طالب رضی الله عنه عرضه کردم. آن حضرت به من فرمود: «این علم خاضی است که امت در جهل به آن و سپردن علمش به خداوند تعالی وسعت دارند». <sup>۳</sup> سپس حضرت آنچه آنان به من خبر داده بودند تأیید فرمود و در این باره آیات بسیاری از قرآن برایم خواند و آن‌ها را تفسیر کاملی فرمود، به طوری که یقین من به روز قیامت قوی‌تر از یقینم به رجعت نبود.

### رجعت امیرالمؤمنین رضی الله عنه

ابوالطفیل می گوید: به امیرالمؤمنین رضی الله عنه عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، قول خداوند تعالی «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَائِةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ...» <sup>۴</sup>: «هنگامی که گفته‌ها بر آنان عملی شود برایشان از زمین

۱. این حدیث در کتاب سلیم سرآغاز کتاب است.

۲. منظور از «رجعت» اجمالاً این است که معصومین رضی الله عنهم یک بار دیگر به دنیا بازمی‌گردند و برنامه‌هایی خواهند داشت. برای توضیح بیشتر به بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۳۹ ب ۲۹ مراجعه شود.

۳. یعنی امت حق دارند تفصیل معنای رجعت را به خدا واگذار کنند و آن را اجمالاً قبول نمایند.

۴. سوره نمل: آیه ۸۲.



جنبنده‌ای بیرون می‌آوریم که با آنان سخن می‌گوید...»، منظور از «جنبنده» چیست؟ فرمود: ای ابوالطفیل، از این سؤال در گذر. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین فدایت گردم، آن را به من خبر بده. فرمود: آن جنبنده‌ای است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود و با زنان ازدواج می‌کند.

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، او کیست. فرمود: او قوام زمین است که زمین به وجود او آرامش یافته است. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، او کیست؟ فرمود: صدیق این امت و جداکننده حق و باطل و رئیس و سردهسته آنان است.

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، او کیست؟ فرمود: کسی که خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ»<sup>۱</sup>: «پیامبر ﷺ شاهدهی از خود به دنبال دارد»، و «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ»<sup>۲</sup>: «کسی که علم کتاب نزد اوست»، و می‌فرماید: «وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ»<sup>۳</sup>: «کسی که صدق را آورد و آن را تصدیق کرد...». کسی که او را تصدیق کرد من بودم در حالی که همه مردم جز من و او کافر بودند. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، او را برایم نام ببر. فرمود: او را برایم نام ببرم.<sup>۴</sup>

۱. سوره هود: آیه ۱۷.

۲. سوره رعد: آیه ۴۳.

۳. سوره زمر: آیه ۲۳.

۴. از آیات قبل پیداست که منظور خود آن حضرت است، و مقصود حضرت آن است که بیش از این تصریح صلاح نیست.



### خلقت نورانی حضرت مهدی عج

سلیم می گوید: <sup>۱</sup> از سلمان فارسی شنیدم که می گفت: در مرضی که پیامبر ص از دنیا رفت نزد آن حضرت نشسته بودم. حضرت زهرا س وارد شد، و چون حال ضعف پیامبر ص را دید بغض گلویش را گرفت به طوری که اشک بر گونه هایش جاری شد.

پیامبر ص فرمود: دخترم، چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: یا رسول الله، بعد از تو بر خودم و بر فرزندانم از بی اعتنایی مردم و تزییع حقدمان می ترسم.

پیامبر ص در حالی که چشمانش اشک آلود شده بود، فرمود: ای فاطمه، مگر نمی دانی ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا ترجیح داده و فنا را بر همه خلقش حتمی نموده است.

خداوند تبارک و تعالی تو جهی به زمین نمود و مرا از میان آنان انتخاب کرد و به پیامبری برگزید. سپس برای بار دوم تو جهی به زمین نمود و همسر تو را انتخاب کرد، و به من دستور داد تا تو را به ازدواج وی در آورم، و او را به عنوان برادر و وزیر و وصی و جانشین خود در امتم قرار دهم.

پس پدر تو بهترین انبیاء و رسولان خداوند است، و شوهر تو بهترین اوصیاء و وزیران است، و تو اول کسی از خاندان من هستی که به من ملحق می شوی.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۱ است.

سپس خداوند توجه سومی به زمین کرد و تو را و یازده نفر از فرزندان و فرزندان برادرم و شوهرت را که از نسل تو هستند<sup>۱</sup> انتخاب نمود.

### حضرت مهدی علیه السلام در دوازده امام علیهم السلام

پس تو سیده بانوان اهل بهشت هستی، و دو پسر حسن و حسین دو آقای اهل بهشتند، و من و برادرم و یازده امام - که جانشینان من تا روز قیامت هستند - همگی هدایت کننده و هدایت شده ایم.

اولین نفر از جانشینان پس از برادرم، حسن است و بعد از او حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین، که در بهشت در یک منزل خواهند بود. منزلی از منزل من به خدا نزدیک تر نیست، و سپس منزل ابراهیم و آل ابراهیم است.

### پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از عدالت حضرت مهدی علیه السلام

دخترم، ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت چیز به ما عطا کرده که به احدی از اولین و آخرین جز ما عطا نکرده است: من آقای پیامبران و مرسلین و بهترین آنانم، و جانشین من بهترین جانشینان است، و وزیرم بعد از من بهترین وزیران است، و شهید ما بهترین شهیدان است.

و جعفر بن ابی طالب که دو بار هجرت نمود<sup>۲</sup> و صاحب دو بال خونین است که با آنها در بهشت همراه ملائکه پرواز می کند. و دو پسر حسن و حسین دو سبط امتم و دو آقای جوانان اهل بهشتند.

۱. یعنی این انتخاب شدگان کسانی اند که پدرشان علی علیه السلام و مادرشان فاطمه علیها السلام باشد. بنابراین شامل سایر فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام که از همسران دیگر حضرت بوده اند نمی شود.

۲. حضرت جعفر بن ابی طالب یک بار از مکه به حبشه هجرت کرد و یک بار هم از حبشه بازگشت و به مدینه هجرت نمود.

قسم به آنکه جانم به دست اوست، از ماست مهدی این امت که خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.

### حضرت مهدی عج در چهارده نور افضل

حضرت زهرا س عرض کرد: یا رسول الله، کدامیک از اینان که نام بردی افضل اند؟ پیامبر ص فرمود: برادرم علی افضل امت است. حمزه و جعفر، این دو افضل امت من بعد از علی و تو و دو پسر و نوهام حسن و حسین و جانشینان از فرزندان این پسرم هستند. و پیامبر ص با دست اشاره به امام حسین ع فرمودند: و مهدی از ایشان است. آنکه قبل از مهدی است از او افضل است. اولی که مقدم است افضل از مؤخر است، زیرا امام اوست و این وصی آن است. ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا ترجیح داده است.

---

۱. با توجه به اینکه همه چهارده معصوم ع نور واحد هستند فضیلت هر یک بر دیگری با توجه به خصایص هر یک از ایشان است، و ممکن است هر یک از جهتی فضیلت داشته باشند. حضرت مهدی عج از جهاتی بر سایر ائمه ع فضیلت دارد، و در عین حال ائمه قبل از جهت تقدم در امامت بر آن حضرت فضیلت دارند. این فضایل با مسئله نور واحد بودن ایشان منافاتی ندارد.





### دریای علم حضرت مهدی علیه السلام

ابان از سلیم نقل می‌کند<sup>۱</sup> که گفت: به علی علیه السلام عرض کردم: <sup>۲</sup> یا امیرالمؤمنین، من از سلمان و مقداد و ابوذر مطالبی در تفسیر قرآن و روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم<sup>۳</sup>، و سپس از شما شنیدم تصدیق آنچه از ایشان شنیده بودم. در دست مردم مطالب بسیاری از تفسیر قرآن و احادیث منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله دیدم که با آنچه از شما شنیدم مخالف بود و شما معتقدید که آنها باطل است.<sup>۴</sup> آیا می‌فرمایید مردم عمداً بر پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ می‌بندند و قرآن را به رأی خویش تفسیر می‌کنند؟

سلیم می‌گوید: حضرت رو به من کرد و فرمود: ای سلیم، سؤال کردی حال جواب را بفهم. آنچه در دست مردم است شامل حق و باطل، صدق و کذب، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، محکم و متشابه، و حفظ و وهم<sup>۵</sup> است.

در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت دروغ بستند، تا آنجا که در میان مردم برخاست و در خطابه‌اش فرمود: «ای مردم، نسبت دروغ بر من زیاد شده است. هر کس عمداً بر من دروغ ببندد جای خود را در آتش آماده کند.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۱۰ است.

۲. از روایت کتاب احتجاج: ج ۱ ص ۳۹۲ چنین برمی‌آید که امیرالمؤمنین علیه السلام در حال خطابه بوده‌اند و سلیم در اثناء خطبه این سؤال را مطرح کرده است.

۳. در کافی و خصال بعد از این عبارت چنین است: غیر آنچه در دست مردم است.

۴. در کافی و خصال چنین است: شما در آن مطالب با مردم مخالفید و معتقدید همه آنها باطل است.

۵. «وهم» یعنی آنچه شخص خیال می‌کند درست حفظ کرده در حالی که اشتباه می‌کند.

هنگامی که آن حضرت از دنیا رفت هم بر آن حضرت دروغ بستند. رحمت خداوند بر پیامبر رحمت و درود او بر اهل بیتش باد.

روزی به پیامبر ص عرض کردم: یا نبی الله، از روزی که برای من آن دعا را کرده‌ای چیزی از آنچه به من آموخته‌ای فراموش نکرده‌ام، پس چرا بر من املا می‌فرمایی و مرا امر به نوشتن آن‌ها می‌نمایی؟ آیا نسبت به من از فراموشکاری بیم داری؟ فرمود: <sup>۲</sup> برادرم، بر تو از نسیان و جهل ترس ندارم. خداوند به من خبر داده که دعای مرا درباره تو و شریک‌هایت که بعد از تو خواهند بود مستجاب کرده است.

### حضرت مهدی عج در شریک‌های امیرالمؤمنین ع

گفتم: یا نبی الله، شریک‌های من کیانند؟ فرمود: آنان که خداوند ایشان را بنا خود و من قرین نموده و در حق ایشان فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۳</sup>: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و پیامبر و اولو الامر خود اطاعت کنید»، و اگر از منازعه در چیزی خوف داشتید آن را به خدا و رسول و اولو الامر خود ارجاع دهید.

عرض کردم: یا نبی الله، آنان کیانند؟ فرمود: جانشینان، تا آنکه بر سر حوضم بر من وارد شوند. همه ایشان هدایت کننده و هدایت شده‌اند. حيلة کسانی که

۱. در کتاب مختصر اثبات الرجعة عبارت چنین است: پس از پیامبر ص بر او دروغ بستند بیش از آنچه در زمان خودش بر آن حضرت دروغ بستند.

۲. این عبارات در کتاب مختصر اثبات الرجعة چنین است: برادرم، بر تو از نسیان و جهل نمی‌ترسم ولی دوست دارم برایت دعا کنم. خداوند به من درباره تو و شریک‌های تو خبر داده که حافظ آنان باشد، آنان که خداوند اطاعتشان را به اطاعت خود و پیامبرش قرین داشته و درباره آنان فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ ...».

۳. سوره نساء: آیه ۵۹.

بر آنان حيله کنند و خوار کردن آنان که بخواهند آنان را خوار کنند به آنها ضرر نمی‌رساند. آنان با قرآن و قرآن با آنان است. نه آنان از قرآن جدا می‌شوند و نه قرآن از آنان جدا می‌شود. خداوند اتمم را به وسیله ایشان یاری می‌کند، و به خاطر ایشان باران بر اتمم می‌بارد و با دعاهای مستجاب آنان بلا از ایشان دفع می‌شود.<sup>۱</sup>

### حضرت مهدی عج در دوازده امام عج

عرض کردم: یا رسول الله، آنان را برایم نام ببر. فرمود: این پسر - و دستش را بر سر امام حسن عج گذاشت - سپس این پسر - و دستش را بر سر امام حسین عج گذاشت - سپس پسر این پسر - و باز دستش را بر سر امام حسین عج گذاشت - سپس پسر او که همنام من است، نام او «محمد» است. او شکافنده علم من و خزانه دار وحی خداست. برادرم، این «علی»<sup>۲</sup> در زمان حیات تو به دنیا خواهد آمد. از من به او سلام برسان. سپس رو به امام حسین عج کرد و فرمود: «محمد بن علی» در زمان حیات تو متولد می‌شود. از من به او سلام برسان. برادرم، سپس بقیه دوازده امام از فرزندان تو خواهند بود.

عرض کردم: یا نبی الله، آنان را برایم نام ببر. حضرت فرد فرد آنان را برایم نام برد.<sup>۳</sup> ای برادر بنی هلال<sup>۴</sup>، به خدا قسم از ایشان است مهدی این امت که زمین

۱. عبارت در کتاب مختصر اثبات الرجعة چنین است: به خاطر ایشان بلا دفع می‌شود و دعا مستجاب می‌گردد.

۲. یعنی امام زین العابدین علی بن الحسین عج.

۳. در کتاب مختصر اثبات الرجعة و در بعضی نسخ اعتقادات صدوق نام ائمه عج در اینجا برده شده است. عبارت در اعتقادات صدوق چنین است:

گفتم: یا رسول الله، آنان را برایم نام ببر. فرمود: تو ای علی، سپس این پسر - و دست بر سر امام حسن عج گذاشت - سپس این پسر - و دست بر سر امام حسین عج گذاشت - سپس همنام تو برادرم که او سید عبادت کنندگان است. سپس پسرش همنام من محمد که شکافنده علم من و خزانه دار وحی الهی است. به

را از قسط و عدل پر می‌کند همان طور که از ظلم جور پر شده باشد. به خدا قسم من همه آنان که بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند می‌شناسم و اسم همه آنان و قبایلشان را می‌دانم.

### تأیید حدیث از ائمه عج

سلیم می‌گوید: بعد از شهادت امیرالمؤمنین ع<sup>۵</sup>، امام حسن و امام حسین ع را در مدینه ملاقات کردم، و این حدیث را به نقل از پدرشان برای ایشان نقل کردم. فرمودند: راست گفتی، پدرمان علی ع این حدیث را برای تو بازگو کرد و ما هم نشسته بودیم. همچنین این حدیث را از پیامبر ص همانطور که پدرمان برایت نقل کرد عیناً به یاد داریم، نه چیزی از آن کم و نه چیزی به آن زیاد شده است.

سلیم می‌گوید: حضرت علی بن الحسین ع را ملاقات کردم در حالی که پسرش محمد بن علی ع هم نزد آن حضرت بود؛ و آنچه از پدر و عمویش و از امیرالمؤمنین ع شنیده بودم برای آن حضرت نقل کردم. حضرت فرمود: امیرالمؤمنین ع در حالی که مریض بود و من در سنین کودکی بودم از پیامبر ص به من سلام رسانید.

→ زودی «علی» در زمان حیات تو ای برادر به دنیا خواهد آمد. از من به او سلام برسان. به زودی ای حسین، «محمد» در زمان حیات تو به دنیا خواهد آمد. از من به او سلام برسان. سپس جعفر، بعد موسی بن جعفر، بعد علی بن موسی، بعد محمد بن علی، بعد علی بن محمد، بعد حسن بن علی زکی، سپس آنکه نامش نام من و رنگش رنگ من است، قیام کننده به امر خداوند در آخر زمان، مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد.

۴. منظور از «برادر بنی هلال» سلیم بن قیس هلالی است.

۵. «د»: بعد از آنان که معاویه حکومت را به دست گرفت.

۶. یعنی امام باقر ع.



سپس امام باقر علیه السلام فرمود: جدم حسین علیه السلام طبق عهدهی که با پیامبر صلی الله علیه و آله داشت - در حالی که مریض بود - سلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به من رسانید.

ابان می گوید: این حدیث را به طور کامل خدمت حضرت علی بن الحسین علیه السلام نقل کردم. آن حضرت فرمود: سلیم راست گفته است. جابر بن عبدالله انصاری نزد پسر آمد در حالی که در سن نوجوانی و مکتب رفتن بود. جابر او را بوسید و سلام پیامبر را به او رسانید.

ابان می گوید: بعد از وفات امام زین العابدین علیه السلام به سفر حج رفتم و امام باقر علیه السلام را ملاقات کردم و همه این حدیث را برایش نقل کردم و یک حرف هم از آن کم نکردم.

چشمان حضرت اشک آلود شد و فرمود: سلیم بعد از شهادت جدم حسین علیه السلام نزد من آمد و من در خدمت پدرم نشسته بودم، و این حدیث را عیناً برایم نقل کرد.

پدرم به او گفت: راست گفتی، پدرم این حدیث را عیناً از امیرالمؤمنین علیه السلام برایم نقل کرد و ما حاضر بودیم. سپس امام حسن و امام حسین علیه السلام آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بودند برای سلیم نقل کردند.

حماد بن عیسی می گوید: این حدیث را نزد مولایم امام صادق علیه السلام ذکر نمودم. حضرت گریه کرد و فرمود: سلیم راست گفته است، این حدیث را پدرم از پدرش علی بن الحسین علیه السلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که فرمود: این حدیث را زمانی که سلیم از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید شنیدم.

### روزی که خداوند مهدی علیه السلام را مبعوث فرماید

ابان بن ابی عیاش می گوید: امام باقر علیه السلام پس از تأیید حدیث سلیم فرمود: ما اهل بیت چقدر از ظلم قریش و متحد شدن شان بر علیه ما و کشتن شان ما را دیده ایم، و چه ها که شیعیان و محبین ما از مردم دیده اند!

چه بسا شخصی که از او به نیکی یاد می شد - و شاید واقعاً هم پرهیزکار و راستگو بود - می دیدی که احادیث عظیم و عجیبی درباره فضیلت بعضی از سردمداران گذشته نقل می کند که خداوند هیچیک از آنها را خلق نکرده است. او گمان می کند آن ها حق است به خاطر کثرت کسانی که این مطلب را از ایشان شنیده اند و به دروغگویی و کمی تقوی شناخته نشده اند.

آنان از امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام مطالب قبیحی نقل می کنند که خدا می داند در این باره دروغ و باطل نقل کرده اند، و اکثر این احادیث دروغ و کذب آراسته و باطل است. خداوند، سخن مرا سخن پیامبر و علی علیه السلام قرار ده، هرگاه که امت محمد صلی الله علیه و آله بعد از او اختلاف کنند تا روزی که خداوند مهدی علیه السلام را مبعوث نماید.



### حضرت مهدی علیه السلام در غدیر

ابان از سلیم نقل می‌کند<sup>۱</sup> که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام را در زمان حکومت عثمان، در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله با جماعتی دیدم که با یکدیگر گفتگو می‌کردند و فقه و علم را مورد مذاکره قرار داده بودند.

در آن مجلس حضرت فرمود: شما را قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که وقتی این آیات نازل شد: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup>: «ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و رسول و اولی الامر تان اطاعت کنید»، و آیه «انَّمَا وَ لَیُّكُمْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۳</sup>: «صاحب اختیار شما خدا و پیامبرش و کسانی اند که ایمان آورده و نماز را بپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند»، و آیه «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِینَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ یَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِینَ وَ لَیَجَءُ»<sup>۴</sup>: «گمان می‌کنید رها می‌شوید در حالی که هنوز در پیشگاه خداوند معرفی نشده‌اند کسانی از شما که جهاد کردند و غیر از خدا و رسولش و مؤمنین محل اعتمادی برای خود برنگزیدند»، وقتی این آیات نازل شد مردم گفتند: یا رسول الله، آیا این آیات درباره بعضی از مؤمنین است یا نسبت به همه آنان عمومیت دارد؟

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۱۱ است.

۲. سوره نساء: آیه ۵۹.

۳. سوره مائده: آیه ۵۵.

۴. سوره توبه: آیه ۱۶.

خداوند عزوجل به پیامبرش دستور داد تا والیان امرشان را به آنان بشناساند و ولایت را مانند نماز و زکات و روزه و حجشان برای آنان تفسیر کند. لذا مرا در غدیر خم برای مردم منصوب نمود، و سپس خطابه‌ای ایراد کرد و فرمود: «ای مردم، خداوند مرا به رسالتی فرستاده که سینه‌ام از آن به تنگ آمده که مبادا مردم مرا تکذیب کنند، ولی خداوند مرا ترسانید که باید این پیام را برسانم و گرنه مرا عذاب خواهد کرد».

سپس دستور داد ندا کنند تا مردم جمع شوند، و بعد خطابه‌ای ایراد کرد و فرمود: «ای مردم، آیا می‌دانید که خداوند عزوجل صاحب اختیار من است و من صاحب اختیار مؤمنین هستم و من از خود آنان به ایشان صاحب اختیار ترم؟ گفتند: بلی، یا رسول الله. فرمود: «برخیز، ای علی». من برخاستم و حضرت فرمود: «هر کس من صاحب اختیار او هستم این علی صاحب اختیار اوست. پروردگارا، هر کس او را دوست دارد دوست بدار و هر کس او را دشمن دارد دشمن بدار».

در همان غدیر خم سلمان برخاست و عرض کرد: یا رسول الله، ولایت و صاحب اختیاری او چگونه است؟ فرمود: «ولایت و صاحب اختیاری او همچون ولایت من است. هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیار ترم علی هم نسبت به او از خودش صاحب اختیار تر است».

خداوند تعالی هم این آیه را نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم».



پیامبر ﷺ سه مرتبه تکبیر گفت و فرمود: «الله اکبر، کمال نبوت من و تکمیل دین خدا ولایت علی بعد از من است».

ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند: یا رسول الله، آیا این آیات به خصوص درباره علی است؟! فرمود: آری، درباره او و جانشینانم تا روز قیامت است. گفتند: یا رسول الله، آنان را برای ما بیان فرما. فرمود: برادرم و وزیرم و وارثم و وصیم و جانشینم در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من علی، سپس پسرم حسن، سپس پسرم حسین، سپس نه نفر از فرزندان پسرم حسین، یکی پس از دیگری، که قرآن با آنان و آنان با قرآنند. نه آنها از قرآن جدا می شوند و نه قرآن از ایشان جدا می شود تا بر سر حوض بر من وارد شوند».

همه حاضرین در مجلس گفتند: آری به خدا قسم، همه آنچه گفتی دقیقاً شنیدیم و حاضر بودیم؛ و بعضی گفتند: اکثر آنچه گفتی حفظ کرده ایم ولی همه اش را به یاد نداریم، ولی اینان که همه اش را به یاد دارند متخبین و افاضل ما هستند.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: راست گفتید. همه مردم در حفظ و به یاد داشتن یکسان نیستند. قسم می دهم آنان را که این مطلب را از پیامبر ﷺ به یاد دارند که بپا خیزند و بازگو کنند.

در اینجا زید بن ارقم و براء بن عازب و ابوذر و مقداد و عمار گفتند: ما شهادت می دهیم که سخن پیامبر ﷺ را به یاد داریم که بر منبر ایستاده بود و تو در کنار او بودی و می فرمود: ای مردم، خداوند به من دستور داده که معرفی کنم امام شما را و آنکه بعد از من در میان شما قائم خواهد بود و وصی خود/و جانشینم را، و آن کسی که خداوند در کتابش اطاعت او را بر مؤمنین واجب کرده و اطاعت او را قرین اطاعت خود و اطاعت من نموده، و شما را در قرآن

به ولایت او دستور داده است. من در این باره - از ترس اهل نفاق و تکذیبشان - به پروردگارم مراجعه کردم، ولی مرا ترسانید که باید این رسالت را برسانم و گرنه مرا عذاب می‌کند.

ای مردم، خداوند در کتابش شما را به نماز امر کرده و من آن را برایتان بیان نمودم، و به زکات و روزه و حج دستور داده که آن را نیز برای شما بیان و تفسیر نمودم، و به ولایت دستور داده و من شما را شاهد می‌گیرم که ولایت مخصوص این شخص است - و حضرت دست مبارک را بر علی بن ابی طالب ع قرار دادند - و سپس برای دو پسرش بعد از او، و سپس برای اوصیاء از فرزندانشان بعد از آنهاست. آنان از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن از آنان جدا نمی‌شود تا بر سر حوضم بر من وارد شوند.

ای مردم، پناه و امامتان بعد از خودم و ولی و هدایت کننده شما را برایتان بیان کردم و او برادرم علی بن ابی طالب است؛ و او در میان شما به منزله من در میان شماست. دین خود را از او پیروی کنید و در همه امورتان از او اطاعت نمایید، زیرا آنچه خداوند از علم و حکمتش به من آموخته نزد اوست. از او برسید و از او و جانشینانش بعد از او بیاموزید. به آنان چیزی یاد ندهید و بر آنان پیشی نگیرید و از ایشان عقب نمانید که آنان با حق و حق با آنان است. نه ایشان از حق جدا می‌شوند و نه حق از ایشان جدا می‌گردد».

زید بن ارقم و بقیه پس از این شهادت نشستند.

### حضرت مهدی عج در حدیث کساء

سلیم می‌گوید: سپس علی ع فرمود: ای مردم، آیا می‌دانید که خداوند در کتابش این آیه را نازل کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرِكُمْ تَطْهِيراً<sup>۱</sup>: «خداوند خواسته است رجس و پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک گرداند». پیامبر ص مرا و فاطمه و دو پسر من حسن و حسین را جمع کرد و رواندازی بر روی ما انداخت و فرمود: «اینان اهل بیت من و فامیل و اقربای من هستند. آنان را ناراحت می‌کند آنچه مرا ناراحت می‌کند، و مرا اذیت می‌کند آنچه آنان را اذیت می‌کند، و مرا به تنگ می‌آورد آنچه آنان را به تنگ می‌آورد. رجس و پلیدی را از ایشان ببر و آنان را پاک گردان».

أم سلمه عرض کرد: یا رسول الله، آیا من هم با شما هستم؟ فرمود: «تو عاقبت به خیر هستی، ولی این آیه فقط درباره من و برادرم و دخترم فاطمه و دو پسر من و نه نفر از فرزندان پسر من حسین به طور خاص نازل شده و احدی غیر از آنان در این آیه همراه ما نیست».

همه حاضرین در مجلس گفتند: شهادت می‌دهیم که أم سلمه این مطلب را برای ما نقل کرد؛ و ما همین را از پیامبر ص پرسیدیم، و آن حضرت برای ما مثل حدیث أم سلمه را نقل فرمود.

### حضرت مهدی عج از شاهدان بر مردم

فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که خداوند در سوره حج چنین نازل کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ، وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، فَأَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ، فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»<sup>۱</sup>:  
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع و سجود بجا آورید و پروردگار خود را  
 عبادت کنید و کار نیک انجام دهید به امید آنکه رستگار شوید. در راه خدا  
 آن طور که سزاوار است جهاد کنید. او شما را برگزید و در دین بر شما سختی  
 قرار نداد، دین پدرتان ابراهیم که از قبل شما را مسلمان نامید، و در این باره تا  
 پیامبر شاهد بر شما باشد و شما شاهدان بر مردم باشید. نماز را بپا دارید و  
 زکات را بپردازید و به کمک خداوند خود را از معصیت باز دارید. او صاحب  
 اختیار شماست و خوب صاحب اختیار و خوب یاری کننده‌ای است».

وقتی این آیه نازل شد سلمان بپا خاست و عرض کرد: یا رسول الله، اینان  
 چه کسانی هستند که تو بر آنان شاهی و آنان بر مردم شاه‌دند، و خداوند آنان  
 را برگزیده و در دین بر آنان سختی قرار نداده، همان که دین پدرشان ابراهیم  
 است؟ فرمود: از اینان فقط سیزده نفر قصد شده و هیچکس دیگری از امت  
 قصد نشده است. سلمان پرسید: یا رسول الله، آنان را برای ما بیان فرما؟  
 فرمود: «من و برادرم و یازده نفر از فرزندانم».

حاضرین در مجلس گفتند: آری به خدا قسم.

### حضرت مهدی عج از جانشینان پیامبر ص

فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که پیامبر ص خطابه‌ای ایراد  
 کرد که بعد از آن خطابه‌ای ایراد نکرد. و فرمود: «ای مردم، من در میان شما  
 دو چیز گران‌بها باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم. به این دو  
 تمسک جوید که هرگز گمراه نمی‌شوید. خداوند لطیف خبیر به من خبر داده



و به من وعده داده است که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند».

عمر بن خطاب در حال شبه غضب برخاست و گفت: یا رسول الله، آیا همه اهل بیت چنین اند؟ فرمود: نه، فقط او صیاء من از اهل بیتم، که اول آنان برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفه من در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من علی است. سپس پسر حسن، سپس پسر حسین، سپس نه نفر از فرزندان حسین یکی پس از دیگری تا بر سر حوض کوثر نزد من آیند. آنان شاهدان خدا در زمین و حجت‌های او بر خلقش و خزانه‌داران علم او و معادن حکمت اویند. هر کس آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند از فرمان خدا سرپیچی کرده است».

همه گفتند: شهادت می‌دهیم که پیامبر ﷺ این مطلب را فرمود.

### نام حضرت مهدی ﷺ در کتف

آنگاه امیرالمؤمنین ﷺ رو به طلحه کرد و فرمود: ای طلحه، آیا حاضر نبودی نزد پیامبر ﷺ هنگامی که کتف<sup>۱</sup> خواست تا در آن چیزی بنویسد که امت گمراه نشوند و اختلاف نکنند؟ در آنجا رفیق تو (عمر) آن سخنش را گفت که: «پیامبر خدا هذیان می‌گوید»! حضرت هم غضب کرد و نوشتن آن را رها کرد.

طلحه گفت: آری، در این موضوع حاضر بودم.

فرمود: وقتی شما از حضور پیامبر ﷺ بیرون رفتید، حضرتش به من خبر داد که می‌خواست در کتف چه بنویسد و عموم مردم را بر آن شاهد بگیرد، و جبرئیل به او خبر داد که خداوند عزوجل اختلاف و تفرقه این امت را می‌داند.

۱. «ج»: ورقه‌ای خواست.

سپس ورقه‌ای خواست و آنچه می‌خواست در کتف بنویسد بر من املا نمود و سه نفر را بر آن شاهد گرفت: سلمان و ابوذر و مقداد.

در آن ورقه امامان هدایت را که خداوند امر به اطاعت آنان تا روز قیامت نموده نام برد. اول آن‌ها مرا نام برد و سپس این پسر - و حضرت دست خود را به امام حسن علیه السلام نزدیک کرد - سپس حسین و سپس نه نفر از فرزندان این پسر - یعنی امام حسین علیه السلام - ای ابوذر و ای مقداد، آیا چنین نبود؟

ابوذر و مقداد برخاستند و گفتند: ما بر این مطلب درباره پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت می‌دهیم.

طلحه گفت: به خدا قسم از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که درباره ابوذر می‌فرمود: «آسمان سایه نیفکنده و زمین حمل نکرده صاحب زبانی راستگوتر از ابوذر و نیکوکارتر نزد خداوند»، و من شهادت می‌دهم که این دو جز به حق شهادت ندادند، و تو ای علی نزد من از این دو راستگوتر و مقدم‌تر هستی.

سپس حضرت رو به طلحه کرد و فرمود: ای طلحه و تو ای زبیر، تو ای سعد و تو ای پسر عوف، از خدا بترسید و رضایت او را مقدم دارید و آنچه نزد اوست اختیار کنید و در راه خدا از ملامت سرزنش کننده‌ای نترسید.

### قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام نزد حضرت مهدی علیه السلام

سپس طلحه گفت: به من خبر ده درباره آنچه از قرآن و تأویلش و علم حلال و حرام که در دست توست، که آن را به چه کسی می‌سپاری و صاحب آن بعد از تو کیست؟

۱. این سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام در مجلس زمان عثمان از این دو نفر است و سلمان را نام نبرده چون او در آن ایام از دنیا رفته بود.

فرمود: به آن کسی که پیامبر ص دستور داده به او بسپارم. گفت: او کیست؟  
فرمود: وصی من و صاحب اختیار مردم بعد از من این پسرم حسن، و پسرم  
حسن هنگام مرگ آن را به این پسرم حسین خواهد سپرد. سپس به فرزندان  
حسین یکی پس از دیگری منتقل می شود تا آخرین آنها کنار حوض کوثر بر  
پیامبر ص وارد شود. آنان با قرآن و قرآن با آنهاست، از قرآن جدا نمی شوند و  
قرآن از آنان جدا نمی شود.



### خلقت نوری حضرت مهدی ﷺ

ابان می گوید: سلیم گفت: <sup>۱</sup> در مسجد پیامبر ﷺ به عده‌ای که گرد هم نشسته بودند برخورددم و در میان آنان، جز سلمان و ابوذر و مقداد و محمد بن ابی بکر و عمر بن ابی سلمه و قیس بن سعد بن عباده، کسی غیر از بنی هاشم نبود.

علی ﷺ در آن مجلس فرمود: پیامبر ﷺ چنین فرمود: بدانید که خداوند نظری به اهل زمین کرد و مرا از میان ایشان انتخاب نمود. سپس نظر دیگری کرد و برادرم علی و وزیر و وصیم و جانشینم در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از مرا انتخاب کرد، و مرا به عنوان رسول و نبی و راهنما مبعوث کرد و به من وحی نمود که علی را به عنوان برادر و ولی و وصی و خلیفه در امتم بعد از خود قرار دهم.

ای مردم، خداوند نظر سومی نمود و بعد از من از میان آن‌ها دوازده جانشین از اهل بیتم انتخاب کرد که آنان برگزیدگان امتم هستند. یازده امام یکی پس از دیگری بعد از برادرم می‌باشند که هر یک از دنیا بروند یکی از آنان خلافت را به دست می‌گیرد.

مثل آنان مثل ستارگان در آسمان است که هر ستاره‌ای غروب کند ستاره دیگری طلوع می‌کند، چون آنان امامان هدایت کننده هدایت شده هستند. حیلۀ کسانی که با ایشان مکر کنند و خوار کردن آنان که ایشان را خوار کنند به

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۱۴ است.

ایشان ضرری نمی‌رساند، بلکه خداوند به کسانی که با ایشان حيله کنند یا آنان را خوار نمایند با همان مکر و خواری ضرر می‌زند.

آنان حجت‌های خداوند در زمین و شاهدان او بر خلقش هستند. هر کس از آنان اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر کس از ایشان سرپیچی کند از خدا سرپیچی کرده است. آنان با قرآن و قرآن با آنان است، نه ایشان از قرآن جدا می‌شوند و نه قرآن از ایشان جدا می‌شود تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

اول امامان برادرم علی بهترین آنهاست. سپس پسر حسن و سپس پسر حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین که مادرشان دخترم فاطمه است. صلوات خدا بر آنان باد.



### پیشگویی از امام زمان علیه السلام در کتب حضرت عیسی علیه السلام

ابان از سلیم نقل می‌کند<sup>۱</sup> که گفت: با امیرالمؤمنین علیه السلام از صفین منی آمدیم. لشکر نزدیک صومعه یک راهب پیاده شدند. از صومعه پیرمرد سالخورده خوش سیمایی بیرون آمد در حالی که کتابی در دستش بود. او نزد امیرالمؤمنین علیه السلام که رسید به عنوان خلافت بر آن حضرت سلام کرد.

حضرت فرمود: مرحبا ای برادرم شمعون فرزند حمون، حالت چگونه است؟ خدا تو را رحمت کند.

او پاسخ داد: خیر است یا امیرالمؤمنین و ای آقای مسلمین و ای وصی رسول رب العالمین. من از نسل مردی از حواریین<sup>۲</sup> برادرت عیسی بن مریم هستم. من از نسل شمعون بن یوحنا وصی حضرت عیسی بن مریم هستم که از بهترین دوازده نفر حواریین آن حضرت و محبوبترین آنان نزد او و مقدم آنها در پیشگاه او بود و عیسی بن مریم علیه السلام به او وصیت کرد و کتابها و علم و حکمتش را به او سپرد. خاندان او همچنان بر دین او ثابت ماندند و به آیین او پایدار بودند و کافر نشدند و تبدیل و تغییری ندادند.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۱۶ است.

۲. «حواریین» اصحاب خاص حضرت عیسی علیه السلام را می‌گویند.



آن کتاب‌ها - که املائی عیسی بن مریم علیه السلام و دستخط پدرمان است - نزد من است. در آن‌ها هر کاری که مردم بعد از او انجام می‌دهند با ذکر یک یک پادشاهان و اینکه هر یک چقدر پادشاهی می‌کند و در زمان هر کدام چه وقایعی اتفاق می‌افتد آمده است.

تا آنجا که خداوند مردی از عرب از فرزندان اسماعیل بن ابراهیم خلیل الرحمان از سرزمینی که «تهامه» خوانده می‌شود از آبادی به نام «مکه» مبعوث نماید که به او «احمد» گفته می‌شود. گشاده‌رو و زیبا چشم، و ابروانش پیوسته است. صاحب شتر و حمار و چوب دستی و تاج - یعنی عمامه - است و دوازده اسم دارد.

سپس مبعوث و میلاد و هجرت آن پیامبر و کسانی که با او می‌جنگند و آنان که او را کمک می‌کنند و کسانی که با او دشمنی می‌نمایند و مقدار عمر او و آنچه امتش بعد از او تفرقه و اختلاف می‌بینند، در آن کتاب ذکر شده است. همچنین نام هر امام هدایت و امام ضلالت تا روزی که خدا عیسی بن مریم علیه السلام را از آسمان نازل کند<sup>۱</sup> مذکور است.

در آن کتاب نام سیزده نفر<sup>۲</sup> از فرزندان حضرت اسماعیل بن ابراهیم خلیل الرحمان مذکور است، و آنان بهترین کسانی هستند که خدا خلق کرده و محبوبترین خلق خدا به پیشگاه او هستند. خداوند دوستدار کسانی است که ایشان را دوست بدارند و دشمن کسانی است که با ایشان دشمن باشند. هر کس از ایشان اطاعت کند هدایت می‌یابد و هر کس از ایشان سرپیچی کند گمراه می‌شود. اطاعت ایشان اطاعت خدا و معصیت ایشان معصیت خداست.

۱. یعنی هنگام ظهور امام زمان علیه السلام که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود.

۲. منظور پیامبر و دوازده امام علیهم السلام است.

### اقتدای مسیح علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام

در آن کتاب است نام این امامان و نسب ایشان و صفت آنان، و اینکه هر کدام از آنها یکی پس از دیگری چقدر عمر می کنند، و چند نفر از آنان دین خود را پنهان می نماید و از قوم خود کتمان می کند، و چند نفر از آنان دین خود را اظهار می کند و کدام به حکومت می رسد و مردم در مقابل او سر تسلیم فرود می آورند، تا هنگامی که خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را بر آخرین آنها نازل کند.

عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گذارد و می گوید: «شما امامانی هستید که برای کسی سزاوار نیست بر شما تقدم جوید». آن آخرین امام پیش می رود و نماز را برای مردم اقامه می کند در حالی که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او در صف اول است. اولین آن سیزده نفر افضل آنهاست و آخرین ایشان مثل اجر همه آنها و اجر آنان که اطاعت ایشان را کرده و به هدایت ایشان هدایت شده اند را دارد.

### اخبار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتب حضرت عیسی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم. <sup>۱</sup> احمد پیامبر خداست، و نام او محمد و یاسین و طه و نون و فاتح و خاتم و حاشر و عاقب و ماحی است. او پیامبر خدا و دوست خدا و حبیب خدا و برگزیده و امین و منتخب اوست. خداوند انتقال او را در سجده کنندگان می دیده است - یعنی در صلب پیامبران - و با او به رحمت خویش تکلم کرده است. هرگاه خدا یاد شود او هم یاد می شود. او بزرگوارترین خلق خدا در پیشگاه او و محبوبترین آنها نزد اوست. خداوند هیچ خلقی را خلق نکرده - چه ملائکه مقرب و چه پیامبر مرسل از آدم تا دیگران - که نزد او بالاتر و محبوبتر از او باشند. خداوند در روز قیامت او را بر

۱. از اینجا عین متن کتاب راهب آغاز می شود.

عرش خود می‌نشانند و درباره هر کس که شفاعت کند می‌پذیرد. به نام او و به یاد او قلم در لوح محفوظ در ام‌الکتاب جاری گشته است. او محمد رسول الله است.

سپس برادرش صاحب پرچم در روز قیامت و روز محشر کبری است. او برادر پیامبر و وصی او و وزیرش و خلیفه او در امتش است. محبوبترین خلق خداوند نزد او بعد از پیامبر، علی بن ابی طالب صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از اوست.

سپس یازده امام از فرزندان اولین نفر از دوازده نفر (یعنی علی علیه السلام)، که دو نفر از آنان همان دو پسر هارون یعنی شَبْر و شَبِیر هستند و نه نفر از اولاد کوچکتر این دو برادر که حسین است، یکی پس از دیگری خواهند بود. آخرین آنها کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گذارد.<sup>۱</sup>

در این کتاب نام هر کدام از این امامان که به حکومت می‌رسند، و آنان که دین خود را پنهان یا ظاهر می‌کنند آمده است. اول کسی که دین خود را ظاهر می‌کند کسی است که همه شهرهای خداوند را از عدل و داد پر می‌کند؛ و بر ما بین مشرق و مغرب حکومت می‌کند تا آنجا که خداوند او را بر همه ادیان غالب نماید.

### بیعت راهب بر سر محبت حضرت مهدی علیه السلام

سپس راهب گفت: یا امیرالمؤمنین، دستت را بگشا تا با تو بیعت کنم. من شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد بنده و پیامبر اوست و تو خلیفه پیامبر خدا در امت او و وصی و شاهد او بر مردم و حجت او در زمین

۱. در اینجا متن منقول از کتاب راهب پایان می‌پذیرد.

هستی. اسلام دین خداست و من از هر دینی که مخالف اسلام باشد بیزارم، چرا که اسلام دینی است که خداوند برای خود برگزیده و برای اولیائش به آن راضی شده است. و آن دین عیسی بن مریم و پیامبران و رُسُلی است که قبل از او بوده‌اند، و همین دین است که پدران گذشته من به آن معتقد بوده‌اند.

من، تو و او و دوستان تو را دوست می‌دارم و از دشمن تو بیزارم. یازده امام از فرزندان تو را دوست می‌دارم و از دشمن شان و مخالفین آنان و از کسانی که از آنان بیزار باشند و حقشان را ادعا کنند و به آنان ظلم کنند - از اولین و آخرین - بیزاری می‌جویم.

سپس دست داد و با حضرت بیعت نمود.

#### اخبار امام زمان علیه السلام در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: کتابت را به من بده. او هم کتاب را داد.

امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: بر خیز با این مرد و مترجمی پیدا کن که سخن او را بفهمد و مطالب کتاب را به زبان عربی واضح برای تو بنویسد. او هم کتاب را که به عربی نوشته شده بود آورد.

وقتی آن را آورد حضرت به پسرش امام حسن علیه السلام فرمود: پسرم، کتابی را که به تو سپرده بودم بیاور. حضرت آن را آورد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پسرم تو این کتاب را بخوان، و تو ای فلانی - که اظهار نادانی می‌کنی - در نسخه این کتاب نگاه کن که دستخط من و املائی پیامبر صلی الله علیه و آله است.

امام حسن علیه السلام کتاب را خواند. حتی یک حرف مخالف آن نبود و تقدیم و تأخیری هم در کلمات نداشت، گویی یک شخص بر دو نفر املا کرده است!

۱. یعنی رفت و مترجمی پیدا کرد و آن را به عربی ترجمه کرد و بعد آورد.



### فتح و پیروزی برای یادگار نیکان

ابان از سلیم بن قیس چنین نقل می‌کند: <sup>۱</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر قرار گرفت و حمد و ثنای الهی بجا آورد و پس از مطالبی فرمود: درباره هر چه می‌خواهید از من بپرسید قبل از آنکه مرا نیابید. به خدا قسم من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌ترم.

مردی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین، از بلایا به ما خبر بده. فرمود: هر گاه سؤال کننده‌ای می‌پرسد باید فکر کند و کسی که چیزی از او می‌پرسند باید مکث کند. پشت سر شما اموری مضطرب و مردد و بلایی وحشت‌آور و عاجز کننده خواهد بود.

قسم به آنکه دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، اگر مرا از دست دهید و امور سخت و بلاهای محسوس بر شما نازل شود، بسیاری از سؤال کنندگان سر به زیر می‌اندازند و بسیاری از سؤال شدگان مشغول می‌شوند.

این هنگامی خواهد بود که جنگ شما ظاهر شود و از دندان‌های تیز بیرون آید و بر پایش بایستد<sup>۲</sup> و دنیا بر شما بلا شود، تا وقتی که خداوند برای یادگار نیکان (یعنی امام زمان علیه السلام) فتح و پیروزی پیش آورد.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۱۷ است.

۲. این جملات در متن عربی به صورت کنایه است و در ترجمه نیز به همان صورت آورده شده است.

## امام زمان علیه السلام پایان دهنده فتنه‌ها

مردی برخواست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، درباره فتنه‌ها به ما خبر بده. حضرت فتنه‌های بنی‌امیه و بعد از آن را یاد کرد. آن مرد پرسید: یا امیرالمؤمنین، بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمود: خداوند بلا را به دست مردی از اهل بیتم همچون جدا شدن فرش خانه از جایش گشایش می‌دهد.

سپس بنی‌امیه را نزد کسی می‌آورند که آنان را خوار کند و کاسه‌های لبریز عذاب به آنان بنوشاند و به آنان چیزی عطا نکند و از آنان جز شمشیر نپذیرد. هرج و مرج خواهد بود. هشت ماه شمشیر بر دوش خود حمل خواهد کرد، تا آنجا که قریش دوست خواهند داشت در مقابل دنیا و آنچه در آن است یک بار مرا ببینند تا به آنان عطا کنم و از آنان بگیرم بعضی از آنچه نسبت به من منع می‌کردند تا آنجا که می‌گویند: «این (یعنی امام زمان علیه السلام) از قریش نیست، چرا که اگر از قریش و از فرزندان فاطمه بود به ما رحم می‌کرد»!!

خداوند او را بر علیه بنی‌امیه بر می‌انگیزد و او آنان را زیر قدم‌هایش قرار می‌دهد و مانند آسیاب آنان را خرد می‌کند. هر جا پیدا شوند مورد لعنت خواهند بود، و گرفته می‌شوند و کشته می‌گردند. این سنت پروردگار درباره کسانی است که قبلاً گذشته‌اند، و هرگز در سنت خداوند تغییری نخواهی یافت.<sup>۱</sup>

۱. اشاره به آیه ۶۲ از سوره احزاب است که می‌فرماید: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».





### پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از امامت حضرت مهدی علیه السلام

ابان از سلیم نقل می‌کند<sup>۱</sup> که گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام و سلمان و ابوذر و مقداد برایم نقل کردند، و نیز ابوالحجاف داود بن ابی عوف عوفی به نقل از ابوسعید خدری برایم نقل کرد و گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نظر به امام حسن و امام حسین علیهما السلام نمود در حالی که با هم پیش می‌آمدند، و فرمود: به خدا قسم، اینان دو آقای جوانان اهل بهشتند و پدرشان از ایشان بهتر است. بهترین مردم نزد من و محبوبترین آنان در قلب من و محترمترین ایشان در پیشگاه من پدر شما<sup>۲</sup> و سپس مادرتان است. احدی نزد خداوند افضل از من و برادرم و وزیرم و جانشینم در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من علی بن ابی طالب نیست.

بدانید که برادرم و دوستم و وزیرم و انتخاب شده‌ام و خلیفه بعد از خودم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من علی بن ابی طالب است. وقتی او از دنیا رفت پسر من حسن بعد از اوست. وقتی او از دنیا رفت پسر من حسین بعد از اوست. سپس امامان نه گانه از نسل حسین خواهند بود.

آنان هدایت کنندگان هدایت شده‌اند. آنان با حق و حق با آنان است. تا روز قیامت ایشان از حق جدا نمی‌شوند و حق از ایشان جدا نمی‌شود. آنان مایه قوام زمین هستند که به خاطر آنان آرام گرفته است. آنان ریسمان محکم

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۲۱ است.

۲. حضرت در اینجا سخن را از غایب به صورت خطاب به حسین علیه السلام آورده‌اند.

خداوند و دستاویز مستحکم خدایند که گسستن ندارد. آنان حجت‌های الهی در زمین و شاهدان او بر مردم و خزانه‌داران علمش و معادن حکمت اویند.

آنان به منزله کشتی نوح‌اند که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت و هر کس آن را رها کرد غرق شد. آنان به منزله «باب حطه»<sup>۱</sup> در بنی اسرائیل هستند که هر کس از آن داخل شد مؤمن و هر کس از آن خارج شد کافر بود. خداوند در قرآن اطاعت ایشان را واجب کرده و در آن دستور ولایت آنان را داده است. هر کس آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند از خدا سرپیچی کرده است.

---

۱. «باب حطه» در بنی اسرائیل دری بوده که همه باید هنگام عبور از آن در مقابل خدای عزوجل سر تعظیم فرود می‌آوردند. اهل بیت علیهم‌السلام از این جهت به «باب حطه» تشبیه شده‌اند که همه مردم باید در مقابل ایشان سر تسلیم فرود آورند و سخن ایشان را بپذیرند، تا بدین وسیله در مقابل خداوند اظهار تعظیم و خضوع نموده باشند. به بحار الانوار: ج ۱۳ ص ۱۸۰ - ۱۸۵ مراجعه شود.

# ۹

## معرفی امام زمان ﷺ در غدیر

ابان از سلیم نقل می‌کند<sup>۱</sup>، و نیز ابو هارون عبدی گفته که این حدیث را از عمر بن ابی سلمه شنیده است: سلیم می‌گوید: در حالی که ما همراه امیرالمؤمنین ﷺ در صفین بودیم. امیرالمؤمنین ﷺ در میان لشکرش بر فراز منبر قرار گرفت، و هر کس از اهل آن منطقه و مهاجرین و انصار را که حاضر بودند جمع کرد و حمد و ثنای الهی بجا آورد و سپس فرمود:

شما را به خدا قسم می‌دهم درباره قول خداوند: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»<sup>۲</sup>: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول و اولی الامر خود اطاعت کنید»، و قول خداوند: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم را کعون»<sup>۳</sup>: «صاحب اختیار شما خدا و رسولش و کسانی هستند که ایمان آورده نماز را بپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند»، و سپس می‌فرماید: «و لَمْ یَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لا الْمُؤْمِنِینَ وَ لِحِجَّةً»<sup>۴</sup>: «غیر از خدا و رسولش و مؤمنین برای خود محل اعتمادی بر نمی‌گزینند».

۱. ابن حدیث در کتاب سلیم حدیث ۲۵ است.

۲. سوره نساء: آیه ۵۹.

۳. سوره مائده: آیه ۵۵.

۴. سوره توبه: آیه ۱۶.

مردم پرسیدند: یا رسول الله، آیا این مخصوص بعضی از مؤمنین است یا شامل همه آنان است؟ خداوند عزوجل دستور داد تا به مردم بفهماند که آیات درباره چه کسی نازل شده است و ولایت را برای آنان تفسیر کند همانطور که نماز و روزه و زکات و حجشان را بیان کرده است.

آن حضرت هم مرا در غدیر خم منصوب کرد و فرمود: «خداوند رسالتی را به من سپرده که به خاطر آن سینه‌ام به تنگ آمده و گمان برده‌ام که مردم مرا تکذیب می‌کنند، ولی خداوند مرا ترسانده که باید ابلاغ کنم و گرنه مرا عذاب خواهد کرد. ای علی به پا خیز!»

آنگاه ندای نماز جماعت داد و نماز ظهر را با مردم خواند و سپس فرمود: «ای مردم، خداوند صاحب اختیار من، و من صاحب اختیار مؤمنین هستم و اختیارم بر آنان از خودشان بیشتر است. بدانید که هر کس من صاحب اختیار او بوده‌ام علی صاحب اختیار اوست. پروردگارا دوست بدار هر کس او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد. یاری کن هر کس او را یاری کند و خوار گردان هر کس او را خوار کند.»

سلمان فارسی پیاخاست و گفت: یا رسول الله، ولایت او چگونه است؟ فرمود: «ولایت او همچون ولایت من است. هر کس من نسبت به او صاحب اختیار تر از خودش هستم علی هم نسبت به او صاحب اختیار تر است.»

خداوند تعالی هم این آیه را نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما به حد کمال رساندم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم.»

سلمان فارسی پرسید: یا رسول الله، آیا این آیات به خصوص درباره علی نازل شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «درباره او و جانشینان<sup>۱</sup> تا روز قیامت نازل شده است». و سپس فرمود: «ای سلمان، تو و کسانی که با تو در این مطلب حاضر بودند شاهد باشید و حاضران به نمایان برسائند».

سلمان فارسی عرض کرد: یا رسول الله، آنان را برای ما معرفی فرما.<sup>۲</sup> فرمود: «علی برادرم و وزیرم و وصیم و وارثم و خدیفهام در امنم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من و یازده امام از فرزندانم. اول آنان فرزندانم حسن و سپس حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری، که قرآن با آنان است و آنان با قرآنند، و از آن جدا نمی شوند تا بر سر حرّض کوثر بر من وارد شوند».

دوازده نفر از بدریین برخاستند و گفتند: ما شهادت می دهیم که این مطالب را همانطور که گفتی از پیامبر ﷺ شنیدیم، نه یک حرف زیاد نمودی و نه کم کردی، و پیامبر ﷺ ما را بر این مطلب شاهد گرفت.

بقیه هفتاد نفر هم گفتند: این مطالب را شنیدیم زنی همه آن را حفظ نکردیم، ولی این دوازده نفر برگزیدگان و بهترین ما هستند.

حضرت فرمود: راست گفتید. همه مردم در حفظ یکسان نیستند، بعضی از مردم از دیگران بهتر حفظ می کنند.

از بین دوازده نفر چهار نفر برخاستند: ابوالهیثم بن تیهان، ابو ایوب انصاری، عمار بن یاسر، خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین که خداوند آنان را رحمت کند. اینان گفتند: شهادت می دهیم که سخن پیامبر ﷺ را شنیدیم و آن

۱. «ج»: جانشینانم از فرزندان او.

۲. «ج»: نام آنان را ذکر فرما.

را حفظ کردیم که در آن روز فرمود در حالی که ایستاده بود و علی هم در کنار او ایستاده بود. سپس پیامبر ﷺ فرمود: «ای مردم، خداوند به من دستور داده که برای شما امام و وصی و جانشینی منصوب کنم که وصی پیامبرتان در میان شما و جانشین من در امتم و اهل بیتم بعد از من باشد. کسی که خداوند در کتابش اطاعت او را بر مؤمنین واجب کرده و به شما دستور ولایت او را داده است. من از ترس اهل نفاق و تکذیب آنان از پروردگارم خواستم که این دستور را از عهده من بردارد، ولی خداوند مرا ترسانید که باید ابلاغ کنم و گرنه مرا عذاب خواهد کرد.

سپس پیامبر ﷺ فرمود: ای مردم، خداوند در کتابش شما را به نماز دستور داده و من آن را برای شما بیان کردم و سنت‌های آن را گفتم، و به زکات و روزه و حج امر کرده و من برای شما بیان کردم و تفسیر نمودم، و در کتابش به ولایت دستور داده و من - ای مردم - شما را شاهد می‌گیرم که آن مخصوص علی بن ابی‌طالب و جانشینان از فرزندان من و فرزندان برادرم و وصیم است. علی اول ایشان و سپس حسن و بعد حسین و سپس نه نفر از فرزندان پسر حسین اند. از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن از آنان جدا نمی‌شود تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. ای مردم، من پناهگاه شما و امامتان بعد از خودم و راهنما و هدایت‌کننده شما را به شما معرفی کرده‌ام و او برادرم علی بن ابی‌طالب است. او در بین شما مثل من در میان شماست. دین خود را بر عهده او بسپارید و در همه امورتان از او اطاعت کنید. همه آنچه خداوند به من آموخته نزد اوست، و خداوند به من دستور داده آن‌ها را به او بیاموزم و به شما بفهمانم که آن علوم نزد اوست. از او سؤال کنید و از او و جانشینان بعد از او بیاموزید. به آنان یاد ندهید و از آنان پیشی نگیرید و از آنان تخلف نکنید. آنان با حق‌اند و حق با آنان است؛ نه از آن جدا می‌شوند و نه حق از آنان جدا می‌شود».



### معرفی امام زمان علیه السلام در حدیث کساء و آیه تطهیر

سپس علی علیه السلام به ابوهریره و ابودرداء و کسانی که در اطرافش بودند فرمود: ای مردم، آیا می دانید خداوند تبارک و تعالی در کتابش چنین نازل کرده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۱</sup>: «خداوند چنین می خواهد که هر بدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک گرداند».

پیامبر صلی الله علیه و آله مرا و فاطمه و حسن و حسین را همراه خود زیر عبایش جمع کرد و عرض کرد: «خدایا، اینان عترت و خاصان من و اهل بیتم هستند. هر بدی را از اینان ببر و ایشان را پاک گردان».

ام سلمه گفت: یا رسول الله، آیا من هم هستم؟ فرمود: «تو خوب هستی، ولی این آیه فقط درباره من و برادرم علی و دخترم فاطمه و دو پسر من حسن و حسین و نه امام از فرزندان پسر من حسین نازل شده و هیچکس جز ما در این مورد همراهان نیست».

همه هفتاد نفر اهل بدر برخاستند و گفتند: ما شهادت می دهیم ام سلمه این مطلب را برایمان نقل کرد. ما هم از پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را سؤال کردیم و آن حضرت همانطور که ام سلمه نقل کرده بود برایمان نقل کرد.

### امام زمان علیه السلام شاهد بر مردم

فرمود: شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که خدای عزوجل در سوره حج چنین نازل کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ

۱. سوره احزاب: آیه ۳۳.

شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»<sup>۱</sup>: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت نمایید و کار خیر انجام دهید، به امید آنکه رستگار شوید، و در راه خدا آن طور که باید جهاد کنید. او شما را انتخاب کرده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. دین پدرتان ابراهیم، که او شما را از قبل مسلمان نامید؛ تا پیامبر ﷺ بر شما شاهد باشد و شما شاهد بر مردم باشید. پس نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و به خداوند اعتصام جویند. او ست صاحب اختیار شما، و خوب صاحب اختیار و خوب کمک کننده‌ای است».

سلمان برخاست و عرض کرد: یا رسول الله، اینها چه کسانی هستند که تو بر آنان شاهی و آنان شاهد بر مردم‌اند، و خداوند آنان را انتخاب کرده و در دین برای آنان سختی قرار نداده، دین پدرشان ابراهیم؟

پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند از اینان سیزده نفر را قصد کرده است: من و برادرم علی بن ابی طالب و یازده نفر از فرزندانم یکی پس از دیگری، که همگی امام هستند. قرآن با آنان و آنان با قرآنند. از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند».

گفتند: آری به خدا قسم.

### نام امام زمان ﷺ در حدیث ثقلین

علی ﷺ فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که پیامبر ﷺ در خطابه‌ای که بعد از آن خطبه‌ای نخواند، فرمود: «ای مردم، من در میان شما دو

چیز باقی گذاردم که تا به آن‌ها تمسک کرده‌اید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترت من اهل بیتم. خداوند لطیف خبیر به من سپرده است که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند؟

گفتند: آری به خدا قسم، ما در همه این مطالب نزد پیامبر ﷺ حاضر بودیم. فرمود: خداوند مرا بس است.

دوازده نفر از اهل بدر برخاستند و گفتند: شهادت می‌دهیم وقتی پیامبر ﷺ این خطابه را در روزی که از دنیا رفت ایراد فرمود، عمر بن خطاب به حالت شبه غضب برخاست و گفت: یا رسول الله، آیا همه اهل بیت؟ فرمود: نه، بلکه جانشینانم، برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفهام در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من از آن‌هاست و یازده نفر از فرزندانم.

این علی اول آنان و افضلشان است، سپس این دو پسر من - و حضرت اشاره به امام حسین و امام حسین ﷺ کردند - سپس وصی پسر من که به نام برادرم علی نامیده می‌شود و پسر حسین است. سپس وصی علی که فرزند اوست و نامش محمد است. سپس جعفر بن محمد، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی، سپس محمد بن الحسن مهدی امت که نامش مانند نام من و طینت او همچون طینت من است. طبق امر من امر می‌کند و طبق نهی من نهی می‌نماید. زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد.

هر کدام از آن‌ها یکی پس از دیگری و پشت سر هم خواهند آمد تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. آنان شاهدان خدا در زمین و حجت‌های او بر خلقش هستند. هر کس از آنان اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند خدا را عصیان کرده است.

بقیه هفتاد نفر بدرین و همان تعداد از دیگران برخاستند و گفتند: مطلبی را که فراموش کرده بودیم به یادمان آوردی اما شهادت می دهیم که این مطلب را از پیامبر ص شنیدیم.

### پیشگویی درباره سفیانی و نفس زکیه

سلیم می گوید: امیرالمؤمنین ع در پاسخ نامه معاویه در صفین مطالبی نوشت، که از جمله آن چنین بود:

مردی از فرزندان تو ظاهر می شود که شوم و ملعون و احمق و خشن و وارونه قلب و سنگدل و غلیظ است و خداوند مهربانی و رحمت را از قلب او برداشته، و دایی هایش از طایفه کلب است. گویا او را می بینم، و اگر بخواهم نام او و صفتش و اینکه چند سال دارد را ذکر می کنم. او لشکری به مدینه می فرستد، و آنان وارد شهر می شوند و کشتار و فواحش را در آنجا از حد می گذرانند.

مردی از فرزندانم که پاک و منزّه است و زمین را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، از دست او فرار می کند. من نام او را و اینکه در آن روز در چه سنی است و علامت او را می دانم. او از فرزندان پسرم حسین است - که پسرش یزید او را می کشد - و اوست که برای خون پدرش قیام خواهد کرد. او به مکه فرار می کند.

صاحب آن لشکر مردی از فرزندانم را که پاک و نیکوکار است در کنار سنگ های زیتون می کشد. سپس لشکر را به سوی مکه حرکت می دهد. من نام امیر آنان و عده شان و نام آن ها و علامات اسب هایشان را می دانم.

آنگاه که وارد سرزمین «بیداء» شدند و مستقر گردیدند خداوند آنان را در زمین فرو می برد. خداوند عزوجل می فرماید: «وَلَوْ تَرَى إِذْ فُزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»<sup>۱</sup>: «اگر ببینی هنگامی که وحشت زده می شوند و از دست نمی روند بلکه از مکان نزدیکی گرفته می شوند». فرمود: یعنی از زیر پاهایشان. از آن لشکر جز یک نفر باقی نمی ماند که خداوند صورت او را به پشت سرش برمی گرداند.

### پیشگویی از یاران حضرت مهدی علیه السلام

خداوند برای مهدی اقوامی را می فرستد که از اطراف زمین جمع می شوند، مانند ابرهای پراکنده پاییزی که جمع می شوند. به خدا قسم من نام آنان و نام امیرشان و محل نزول سوارانشان را می دانم.

مهدی داخل کعبه می شود و گریه و تضرع می کند. خداوند عزوجل می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»<sup>۲</sup>: «چه کسی است که وقتی مضطر او را می خواند اجابت کند و ناراحتی را از بین ببرد و شما را خلیفه های در زمین قرار دهد»؛ این آیه مخصوص ما اهل بیت است.

۱. سوره سبا: آیه ۵۱.

۲. سوره نمل: آیه ۶۲.



### خبر از امام زمان عج در تفسیر «و والد و ما ولد»

ایان می گوید: از سلیم بن قیس شنیدم که می گفت: وقتی محمد بن ابی بکر در مصر کشته شد و خبر شهادت او رسید به امیرالمؤمنین عج تسلیت گفتم. حضرت می فرمود: ای سلیم، جانشینان من یازده نفر از فرزندانم هستند. امامانی هدایت کننده و هدایت شده که ملائکه آنان سخن می گویند.<sup>۱</sup>

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، آنان کیانند؟ فرمود: این پسر حسن، سپس این پسر حسین، سپس این پسر - و حضرت دست پسر پسرش علی بن الحسین عج را گرفت در حالی که آن حضرت شیرخواره بود - سپس هشت نفر از فرزندان او یکی پس از دیگری هستند. آنانند که خداوند به ایشان قسم یاد کرده و فرموده است: «و والد و ما ولد»<sup>۲</sup>: «قسم به پدر و آنچه از نسل او به دنیا می آیند». «پدر» پیامبر ص است و «آنان که از او به دنیا می آیند» این یازده نفر جانشین هستند.<sup>۳</sup>

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، آیا دو امام در یک زمان جمع می شود؟ فرمود: آری، ولی یکی از آنها سکوت می کند و سخن نمی گوید تا دیگری از دنیا برود.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۳۷ است.

۲. «ج»: جانشینان من یازده نفر از فرزندان فاطمه هستند. امامان هدایت شده اند، و ملائکه با همه ما سخن می گویند.

۳. سوره بلد: آیه ۳.

۴. «ج»: پس رسول الله پدر است و من پدر این یازده نفر جانشین.





### معرفی امام زمان ﷺ توسط پیامبر ﷺ

ابان از سلیم نقل می‌کند<sup>۱</sup> که گفت: عبدالله بن جعفر بن ابی طالب برایم نقل کرد و گفت: نزد معاویه بودم و امام حسن و امام حسین ﷺ هم همراه ما بودند و عبدالله بن عباس و فضل بن عباس نیز نزد او بودند.

عبدالله می‌گوید: من گفتم: ای معاویه، من از پیامبر ﷺ شنیدم که بر فراز منبر - در حالی که من و عمر بن ابی سلمة و اسامة بن زید و سعد بن ابی وقاص و سلمان فارسی و ابوذر و مقداد و زبیر بن عوام مقابل آن حضرت بودیم - فرمود: ای مردم، آنگاه که من شهید شدم علی نسبت به شما از خودتان صاحب اختیارتر است. و آنگاه که علی به شهادت رسید پسر من حسن نسبت به مؤمنین از خودشان صاحب اختیارتر است. و آنگاه که پسر من حسن به شهادت رسید پسر من حسین نسبت به مؤمنین از خودشان صاحب اختیار است. و آنگاه که پسر من حسین به شهادت رسید پسر من علی بن الحسین نسبت به مؤمنین از خودشان صاحب اختیارتر است و با امر او آنان را اختیاری نیست»<sup>۲</sup>.

سپس حضرت رو به علی ﷺ کرد و فرمود: یا علی، به زودی او را می‌بینی. از من به او سلام برسان».

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۴۲ است.

۲. بقیه این عبارت در کتاب منهاج الفاضلین به این صورت آمده است: «سپس نه امام از اولاد حسین ﷺ یکی پس از دیگری خواهند بود. هیچکدام آنها نیستند مگر آنکه نسبت به مؤمنین اختیارشان از خودشان بیشتر است و با امر یکی از آنها مؤمنین را اختیاری نیست. همه آنان امامان حقیقند».

وقتی او به شهادت رسید پسرش محمد نسبت به مؤمنین از خودشان صاحب اختیارتر است. و تو ای حسین او را درک می‌کنی، از من به او سلام برسان. سپس در نسل محمد<sup>۱</sup> مردانی یکی پس از دیگری خواهند بود که با امر آنان برای مردم اختیاری نیست.

بعد حضرت این مطلب را سه مرتبه تکرار کرد و فرمود: «هیچکدام از آنان نیست مگر آنکه نسبت به مؤمنین از خودشان صاحب اختیارتر است و با امرشان آنان را اختیاری نیست. همه آنان هدایت کننده و هدایت شده‌اند و آنان نه نفر از فرزندان حسین هستند».

### مقام امام زمان ﷺ در بهشت

معاویه گفت: ای پسر جعفر، درباره حسن و حسین و پدرشان شنیدیم. درباره مادرشان چه شنیده‌ای؟ - و معاویه این سخن را به صورت استهزاء و انکار گفت -.

من گفتم: آری، از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: در بهشت عدن منزلی با شرافت‌تر و بالاتر و نزدیکتر به عرش پروردگارم از منزلت من نیست، و ما در آنجا چهارده نفریم. من و بردارم علی که بهترین آنها و محبوبترینشان نزد من است، و فاطمه که او سیده زنان اهل بهشت است، و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین هستند. ما در آنجا چهارده نفریم در یک مقام، که خداوند بدی‌ها را از ما برده و ما را پاک گردانیده است. همه هدایت کننده و هدایت شده‌ایم.

۱. «حج: بهشت سر محمد ﷺ ...» و در کتاب‌های عیون و اکمال و خصال و اعلام الوری چنین است: سپس تکمیل دوازده امام که نه نفر از فرزندان حسین ﷺ هستند.

### املائی پیامبر ص نزد امام زمان عج

پیامبر ص در ادامه کلامش فرمود: من تبلیغ کننده از جانب خدا هستم، و آنان ابلاغ کننده از جانب من و خدای عزوجل هستند. آنان حجت‌های خداوند تبارک و تعالی بر خلقش و شاهدان او در زمینش و خزانه‌داران علمش و معادن حکمت‌های او هستند. هر کس از آنان اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند از خدا سرپیچی کرده است. زمین به قدر یک چشم بر هم زدن جز با بقای آنان نمی‌ماند<sup>۱</sup>، و جز با آنان اصلاح نمی‌شود.

آنان امت را از امر دینشان و حلال و حرامشان خبر می‌دهند، و آنان را با امر و نهی واحد<sup>۲</sup> به رضایت پروردگارشان راهنمایی می‌کنند و از سخط او نهی می‌نمایند، و در بین آنان اختلاف و تفرقه و نزاعی نیست.

آخر آنان از اول آنان املائی من و دست خط برادرم علی را تحویل می‌گیرد و تا روز قیامت از یکدیگر به ارث می‌برند.

همه اهل زمین در جهل و غفلت و سرگردانی و حیرت‌اند به جز آنان و شیعیان و دوستانشان. آنان در چیزی از امر دینشان به احدی از امت احتیاج ندارند، ولی امت به آنان احتیاج دارند.

آنان هستند که خداوند در کتابش آنان را قصد کرده<sup>۳</sup> و اطاعت آنان را به اطاعت خود و رسولش مقرون ساخته و فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۴</sup>: «از خدا و پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید».

۱. «ج»: زمین باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آن امامی از ایشان باشد.

۲. یعنی سخن همه‌شان یکی است.

۳. «ج»: و حضرت در اینجا آیه‌ای از قرآن را که درباره آنان نازل شده ترک نکرد و همه را ذکر کرد.

۴. سوره نساء: آیه ۵۹.

# ۱۲

## حضرت مهدی عج از خلقت نوری تا سیادت بهشت

ابان از سلیم از سلمان نقل می‌کند که گفت: در حالی که قریش کنار هم نشسته بودند یکی از آنان گفت: «مثل محمد در میان اهل بیتش نیست مگر مانند درخت خرمايي که در زباله داني روئیده باشد»!!!

این خبر به پیامبر ص رسید. آن حضرت غضبناک شد و بر فراز منبر قرار گرفت تا مردم جمع شدند. سپس بر خاست و حمد و ثنای الهی بجا آورد و فرمود: ای مردم، من کیستم؟ گفتند: تو پیامبر خدایی.

فرمود: «من پیامبر خدایم، و من محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستم»، و حضرت همچنان نسب خود را ذکر کرد تا به «نزار» رسید.

## خلقت و نسب پیامبر و اهل بیت عج

سپس فرمود: بدانید که من و اهل بیتم نوری بودیم که در پیشگاه خداوند - هزار سال قبل از آنکه آدم خلق شود - حضور داشتیم؛ و چنین بود که وقتی آن نور تسبیح می‌گفت ملائکه به تسبیح آن تسبیح می‌گفتند.

وقتی خداوند آدم را خلق کرد آن نور را در صلب او قرار داد، و سپس آن را در صلب آدم به زمین فرستاد. سپس آن را در صلب نوح در کشتی حمل نمود. بعد آن را در صلب ابراهیم به آتش پرتاب کرد.

سپس خداوند ما را همچنان در صلب‌های محترم منتقل می‌کرد تا آنکه ما را از بهترین معادن از نظر اصالت و باکرامت‌ترین مکان‌ها از نظر رویش از بین پدران و مادران خارج ساخت، به طوری که هیچکدام از آن‌ها هرگز به صورت زنا با یکدیگر ملاقات نداشتند.

بدانید که ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشت هستیم: من و علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین و فاطمه و مهدی.

### حضرت مهدی علیه السلام در منتخبین خداوند

بدانید که خداوند نظری به اهل زمین نمود و از بین آنان دو نفر را انتخاب کرد: یکی من که به عنوان فرستاده و پیامبر مبعوثم فرمود، و دیگری علی بن ابی طالب؛ و به من وحی کرد که او را برادر و دوست و وزیر و وصی و خلیفهام قرار دهم.

بدانید که خداوند نظر دومی نمود و بعد از من، دوازده وصی از اهل بیتم انتخاب نمود، و آنان را انتخاب شدگان امتم قرار داد. آنان یکی پس از دیگری مثل ستارگان در آسمان هستند که هر ستاره‌ای غایب شود ستاره دیگری طلوع می‌کند.

آنان امامان هدایت‌کننده هدایت شده‌اند، و حیلۀ کسانی که بر آنان حیلۀ کنند و خواری کسانی که ایشان را خوار کنند به آنان ضرر نمی‌رساند.

آنان حجت‌های خداوند در زمین، و شاهدان او بر خلقش، و خزانۀ داران علمش، و بیان‌کنندگان وحی او و معدن‌های حکمتش هستند.

هر کس از آنان اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند معصیت خدا کرده است. آنان با قرآن، و قرآن با آنان است. از قرآن جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

پس حاضران به غایبان برسانند. پروردگارا شاهد باش، پروردگارا شاهد باش، - و این را سه مرتبه فرمودند - .

# ۱۳

## نام حضرت مهدی عج در ماجرای کتف

سلیم بن قیس می گوید: <sup>۱</sup> از سلمان شنیدم که می گفت: بعد از آنکه عمر آن سخن را گفت <sup>۲</sup> و پیامبر ص غضبناک شد و «کتف» را رها کرد، از امیرالمؤمنین ع شنیدم که فرمود: «آیا از پیامبر ص نپرسیم چه مطلبی می خواست در کتف بنویسد که اگر آن را می نوشت احدی گمراه نمی شد و دو نفر هم اختلاف نمی کردند؟»

من سکوت کردم تا کسانی که در خانه بودند برخاستند و فقط امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین ع باقی ماندند. من و دو رفیقم ابوذر و مقداد هم خواستیم برخیزیم که علی ع به ما فرمود: بنشینید.

حضرت می خواست از پیامبر ص سؤال کند و ما هم می شنیدیم، ولی خود پیامبر ص ابتداءً فرمود: «برادرم، نشنیدی دشمن خدا چه گفت؟! جبرئیل کمی قبل از این بر من نازل شد و دستور داد بنویسم آن نوشته ای را که می خواستم در کتف بنویسم و این سه نفر را بر آن شاهد بگیرم. برایم ورقه ای بیاورید.»

برای حضرت ورقه ای آوردند. پیامبر ص نام امامان هدایت کننده بعد از خود را یکی یکی املا می فرمود و علی ع به دست خویش می نوشت.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۴۹ است.

۲. منظور همان سخن عمر است که وقتی پیامبر ص در ساعات آخر عمر کتف طلب کرد تا در آن چیزی بنویسد که مردم هرگز گمراه نشوند، عمر گفت: «پیامبر هذیان می گوید!» و بدین وسیله از نوشتن کتف مانع شد. منظور از «کتف» هم استخوان پهن شانه گاو یا شتر است که برای نوشتن از آن استفاده می کردند.



همچنین فرمود: من شما را شاهد می‌گیرم که برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفهام در امتم علی بن ابی طالب است، و سپس حسن و بعد حسین و بعد از آنان نه نفر از فرزندان حسین اند.

راوی می‌گوید: از نام امامان جز دو نفر به نام «محمد» و «علی» در یادم نماند، ولی توصیف حضرت مهدی و عدالت او و برنامه‌اش<sup>۱</sup> را شنیدم و اینکه خداوند به دست او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

سپس پیامبر ص فرمود: من خواستم این را بنویسم و سپس به مسجد ببرم و عموم مردم را دعوت کنم و آن را برایشان بخوانم و آنان را بر آن شاهد بگیرم، ولی خداوند نخواست و آنچه اراده کرده بود مقدر نمود.

# ۱۴

## حضرت مهدی عج در آیات قرآن

سلیم می گوید: <sup>۱</sup> به ابن عباس - در حالی که جابر بن عبدالله انصاری کنارش بود - گفتم: آیا هنگام وفات پیامبر ص حاضر بودی؟ گفت: آری، وقتی بیماری حضرت شدت یافت فرزندان عبدالمطلب را جمع کرد.

پیامبر ص به علی ع فرمود: «برادرم، مرا بنشان». امیرالمؤمنین ع آن حضرت را نشانید و به سینه تا گلویش تکیه داد. سپس حضرت حمد و ثنای انهی بیجا آورد و فرمود:

«ای بنی عبدالمطلب، تقوای الهی پیشه کنید و خدا را پرستید. همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید و اختلاف نکنید. اسلام بر پنج پایه بنا شده است: ولایت و نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج. ولایت برای خدا و رسولش و برای مؤمنینی است که زکات را در حال رکوع می پردازند<sup>۲</sup> و هر کس ولایت خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند را بپذیرد، بداند که حزب خداوند غالب هستند»<sup>۳</sup>.

ابن عباس گفت: در اینجا سلمان و مقداد و ابوذر هم آمدند. سلمان عرض کرد: یا رسول الله، آیا این آیات شامل همه مؤمنین است یا مخصوص بعضی از

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۶۱ است.

۲. اشاره به آیه ۵۵ از سوره مائده است.

۳. اشاره به آیه ۵۶ از سوره مائده است.

ایشان است؟ فرمود: مخصوص بعضی از آنان است که خداوند آنان را در بیش از یک آیه قرآن با خود و پیامبرش قرین نموده است.

سلمان پرسید: یا رسول الله، آنان کیانند؟ فرمود: اول آنان و افضلشان و بهترینشان این برادرم علی بن ابی طالب است - و در این حال دست مبارک را بر سر امیرالمؤمنین ع قرار دادند - سپس این پسر بعد از او - و دست مبارک را بر سر امام حسن ع قرار دادند - سپس این پسر بعد از او - و دست مبارک را بر سر امام حسین ع قرار دادند - و اوصیاء نه نفر از فرزندان حسین یکی پس از دیگری خواهند بود.

آنان ریسمانهای محکم خداوند و دستاویزهای مورد اعتماد اویند. آنان حجت خدا بر خلقش و شاهدان او در زمین اند. هر کس از آنان اطاعت کند، خداوند را و مرا اطاعت کرده است، و هر کس از آنان سرپیچی کند از خداوند و از من سرپیچی کرده است. آنان با قرآن و قرآن با آنان است. قرآن از آنان جدا نمی شود و آنان از قرآن جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر نزد من وارد شوند.

#### امام زمان ع از دعوت کنندگان به بهشت

دوازده امام از اهل بیت من هستند که همه آنان به بهشت دعوت می کنند: علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین که یکی پس از دیگری خواهند بود. امام آنان و پدرشان علی است، و من امام برای علی و برای آنان هستم. آنان با قرآن و قرآن با آنان است. قرآن از آنان جدا نمی شود و آنان از قرآن جدا نمی شوند تا بر سر حوض نزد من آیند.

### خبر پیامبر صلی الله علیه و آله از حکومت حضرت مهدی علیه السلام

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله روبه ابن عباس کرد و فرمود: بدانید که اولِ هلاک بنی امیه - بعد از آنکه ده نفر از آنان به حکومت رسیدند - به دست فرزندان تو خواهد بود. از خدا بترسند و درباره فرزندان و عترت من مراقب باشند. دنیا برای احدی قبل از ما باقی نمانده و برای احدی بعد از ما باقی نمی ماند.

دولت ما آخرین دولت هاست، که به جای هر روز دو روز و به جای هر سال دو سال خواهد بود.<sup>۱</sup> از ما و از فرزندان من است کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند، همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد.

---

۱. یعنی به جای هر روز که غاصبین از حکومت ما غصب کردند دو روز و به جای هر سال دو سال حکومت خواهیم کرد.

### حضرت مهدی علیه السلام در منتخبین الهی

سلیم می گوید: <sup>۱</sup> از سلمان شنیدم که می گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: یا رسول الله، خداوند قبل از تو پیامبری مبعوث نکرده مگر آنکه جانشینی دارد. ای پیامبر خدا وصی تو کیست؟ فرمود: ای سلمان، در این باره مطلبی از طرف خداوند برایت نیامده است.

آنگاه حضرت مدت کوتاهی مکث کرد و سپس فرمود: ای سلمان، درباره مسئله ای که سؤال کردی از جانب خداوند برایت وحی آمد. <sup>۲</sup> ای سلمان، من تو را شاهد می گیرم که علی بن ابی طالب وصی من و برادرم و وزیرم و جانشینم در خاندانم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من است. او ذمه مرا بری می کند و قرض مرا می پردازد و برای احیای سنت من می جنگد.

ای سلمان، خداوند توجهی به زمین کرد و مرا از میان اهل زمین انتخاب کرد. سپس نظر دومی نمود و برادرم علی را از میان آنان انتخاب کرد. آنگاه به من امر کرد و من هم سیده زنان اهل بهشت را به ازدواج او در آوردم.

سپس نظر سومی نمود و فاطمه و جانشینان را انتخاب کرد: دو پسر حسن و حسین و بقیه آنان از فرزندان حسین علیه السلام. آنان با قرآن و قرآن با آنان است. قرآن از ایشان جدا نمی شود و آنان از قرآن جدا نمی شوند مانند این دو - و حضرت

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۶۲ است.

۲. پیدا است این گونه پاسخ برای نشان دادن اتصال جواب به منبع وحی است.

دو انگشت سبابه خود را کنار هم قرار دادند - تا آنکه یکی پس از دیگری بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. آنان شاهدان خداوند بر خلقش و حجت‌های او در زمین هستند. هر کس آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند از خدا سرپیچی کرده است. همه آنان هدایت کننده و هدایت شده‌اند.

### حضرت مهدی علیه السلام در آیه تطهیر

این آیه درباره من و برادرم علی و دخترم فاطمه و دو پسر و جانشینان یکی پس از دیگری نازل شده است، که فرزندان من و فرزندان برادرم هستند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۱</sup>: «خداوند خواسته است رجس و بدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک گرداند». ای سلمان، آیا می‌دانید «رجس» چیست؟

سلمان عرض کرد: نه. فرمود: شک است، آنان هرگز درباره چیزی که از جانب خدا آمده باشد شک نمی‌کنند. ما در ولادت و طیتمان تا حضرت آدم پاک هستیم، و از هر بدی پاک و معصوم هستیم.

### پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از عدل حضرت مهدی علیه السلام

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دست مبارک را بر امام حسین علیه السلام زد و فرمود: ای سلمان، مهدی امت که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد، از فرزندان این است. امام پسر امام، عالم پسر عالم، وصی پسر وصی است. پدرش که قبل از اوست امام و وصی و عالم است.<sup>۲</sup>

۱. سوره احزاب: آیه ۳۳.

۲. اشاره به اینکه این رشته امامت تا حضرت مهدی علیه السلام متصل است.

عرض کردم: ای پیامبر خدا، مهدی افضل است یا پدرش؟ فرمود: پدرش از او افضل است. اولی آنان<sup>۱</sup> مثل اجر همه آنان را دارد چرا که خداوند به وسیله او آنان را هدایت کرده است.<sup>۲</sup>

---

۱. منظور از «اولی» امیرالمؤمنین ع است، و یا منظور از آن هر امام قبل از امام دیگر است.  
۲. احتمالاً منظور از هدایت آن است که در امامت مقتدای ایشان است.



# ۱۹

## معرفی حضرت مهدی عج در حضور اهل سقیفه

سلیم می گوید: <sup>۱</sup> در حضور امیرالمؤمنین ع بودم هنگامی که پس از غلبه بر اهل جمل به خانه زیاد بن عبید رفت. خانه پر از اصحاب پیامبر ص بود که در بین آنان عمار و ابوالهیثم بن تیهان و ابویوب و عده‌ای از اهل بدر که حدود هفتاد نفر می شدند، حضور داشتند.

سلیم می گوید: امیرالمؤمنین ع حمد و ثنای الهی بجا آورد و فرمود: پیامبر ص مرا فراخواند در حالی که سلمان و ابوذر و مقداد هم نزد آن حضرت بودند. سپس عایشه را سراغ پدرش و نیز حفصه را سراغ پدرش و دخترش را سراغ همسرش عثمان فرستاد<sup>۲</sup>، و آنان آمدند.

پیامبر ص حمد و ثنای الهی بجا آورد و فرمود: من همه شما و هر کس از مرد و زن که در خانه هستند را شاهد می گیرم که علی بن ابی طالب خلیفه من در امتم، و صاحب اختیارتر بر مؤمنین از خودشان است.

وقتی او از دنیا رفت این پسرم خواهد بود - و حضرت دست بر سر امام حسن ع قرار دادند - و وقتی او از دنیا رفت این پسرم - و حضرت دست بر سر امام حسین ع قرار دادند - سپس نه نفر از فرزندان حسین ع یکی پس از دیگری خواهند بود.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۶۷ است.

۲. منظور رقیه یا زینب دختر خوانده‌های پیامبر ص است که به ترتیب همسر عثمان بودند.

آنان هستند که خداوند در این کلامش قصد کرده: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup>: «خدا را اطاعت کنید و از پیامبر ﷺ و اولی الامر خود اطاعت نمایید».

سپس پیامبر ﷺ هر آیه‌ای که درباره ائمه علیهم السلام نازل شده بود تلاوت فرمود.

# ۱۷

## حضرت قائم علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام

سلیم از سلمان فارسی نقل می‌کند<sup>۱</sup> که گفت: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم. در این حال امام حسین علیه السلام بر زانوی حضرت نشسته بود و حضرت در صورت او با دقت نگاه می‌کرد و بین دو چشم او را می‌بوسید و می‌فرمود:

«تو سید پسر سیدی، تو امام و پسر امام و برادر امامی. تو پدر امامانی. تو حجت خدا پسر حجت خدا هستی. تو پدر نه حجت خدا از صلب خود هستی که نهمی آنان قائم ایشان است.»

---

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۷۷ است.



### زندگی در دولت حضرت مهدی عج

سلیم از سلمان فارسی نقل می‌کند که پیامبر ص چنین فرمود: ای مردم، آیا شما را به «مهدی» بشارت ندهم؟ گفتند: آری. فرمود: بدانید که خداوند تعالی در اتم سلطانی عادل و امامی دادگر مبعوث می‌کند، که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد. او نهی از فرزندان پسرم حسین است. نام او نام من و کنیه او کنیه من است.

بدانید که خیری در زندگانی بعد از او نیست؛ و انتهای دولت او چهل روز قبل از قیامت خواهد بود.

# ۱۹

## دولت مهدی عج بهترین حکومت‌ها

سلیم از سلمان چنین نقل می‌کند: <sup>۱</sup> آنگاه که بیماری پیامبر ص شدت یافت خدمت آن حضرت وارد شدیم. حضرت به حاضرین فرمود: مرا با اهل بیتم تنها بگذارید. مردم برخاستند و من نیز همراه آنان برخاستم. فرمود: ای سلمان، تو بنشین که از ما اهل بیت هستی.

آنگاه پیامبر ص حمد و ثنای الهی بجا آورد و ضمن سخنانی فرمود: من بر فراز همین منبرم دوازده نفر را دیدم که همه از قریش بودند. دو نفر از فرزندان ابوسفیان حرب بن امیه و بقیه از فرزندان ابی‌العاص بن امیه. <sup>۲</sup> همه اینان گمراه و گمراه‌کننده‌اند، و امت مرا از راه راست و ادار به عقب‌گرد می‌کنند.

سپس پیامبر ص به عباس فرمود: بدان که هلاکت بنی‌امیه به دست فرزندان توست. بعد فرمود: درباره عترتم که اهل بیت منند از خدا بترسید، که دنیا برای احدی قبل از ما دوام نداشته و برای ما هم باقی نخواهد ماند و برای احدی بعد از ما هم دوام ندارد.

سپس پیامبر ص به علی فرمود: دولت حق بهترین دولت‌هاست. بدانید که شما بعد از آنان در برابر هر روز دو روز و در برابر هر ماه دو ماه و در برابر هر سال دو سال حکومت خواهید کرد.

۱. این حدیث در کتاب سلیم حدیث ۹۷ است.

۲. این دوازده نفر عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید و هفت نفر از بنی‌مروان که بعد از یزید به حکومت رسیدند.

## فهرست مطالب

### حدیث ۱

- ایمان به رجعت مانند قیامت ..... ۹  
رجعت امیرالمؤمنین ع ..... ۹

### حدیث ۲

- خلقت نورانی حضرت مهدی عج ..... ۱۱  
حضرت مهدی عج در دوازده امام ع ..... ۱۲  
پیشگویی پیامبر ص از عدالت حضرت مهدی عج ..... ۱۲  
حضرت مهدی عج در چهارده نور افضل ..... ۱۳

### حدیث ۳

- دریای علم حضرت مهدی عج ..... ۱۴  
حضرت مهدی عج در شریک‌های امیرالمؤمنین ع ..... ۱۵  
حضرت مهدی عج در دوازده امام ع ..... ۱۶  
تأیید حدیث از ائمه ع ..... ۱۷  
روزی که خداوند مهدی عج را مبعوث فرماید ..... ۱۹

### حدیث ۴

- حضرت مهدی عج در غدیر ..... ۲۰  
حضرت مهدی عج در حدیث کساء ..... ۲۳  
حضرت مهدی عج از شاهدان بر مردم ..... ۲۴  
حضرت مهدی عج از جانشینان پیامبر ص ..... ۲۵  
نام حضرت مهدی عج در کف ..... ۲۶  
قرآن امیرالمؤمنین ع نزد حضرت مهدی عج ..... ۲۷

حدیث ۵

۲۹ ..... خلقت نوری حضرت مهدی علیه السلام

حدیث ۶

۳۱ ..... پیشگویی از امام زمان علیه السلام در کتب حضرت عیسی علیه السلام

۳۳ ..... اقتدای مسیح علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام

۳۳ ..... اخبار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتب حضرت عیسی علیه السلام

۳۴ ..... بیعت راهب بر سر محبت حضرت مهدی علیه السلام

۳۵ ..... اخبار امام زمان علیه السلام در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام

حدیث ۷

۳۶ ..... فتح و پیروزی برای یادگار نیکان

۳۷ ..... امام زمان علیه السلام پایان دهنده فتنه‌ها

حدیث ۸

۳۸ ..... پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از امامت حضرت مهدی علیه السلام

حدیث ۹

۴۰ ..... معرفی امام زمان علیه السلام در غدیر

۴۴ ..... معرفی امام زمان علیه السلام در حدیث کساء و آیه تطهیر

۴۴ ..... امام زمان علیه السلام شاهد بر مردم

۴۵ ..... نام امام زمان علیه السلام در حدیث ثقلین

۴۷ ..... پیشگویی درباره سفیانی و نفس زکیه

۴۸ ..... پیشگویی از یاران حضرت مهدی علیه السلام

حدیث ۱۰

۴۹ / ..... خبر از امام زمان علیه السلام در تفسیر «و والد و ما ولد»

حدیث ۱۱

۵۰ ..... معرفی امام زمان علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله



مقام امام زمان عج در بهشت ..... ۵۱

املای پیامبر ص نزد امام زمان عج ..... ۵۲

#### حدیث ۱۲

حضرت مهدی عج از خلقت نوری تا سیادت بهشت ..... ۵۳

خلقت و نسب پیامبر و اهل بیت ع ..... ۵۳

حضرت مهدی عج در منتخبین خداوند ..... ۵۴

#### حدیث ۱۳

نام حضرت مهدی عج در ماجرای کتف ..... ۵۶

#### حدیث ۱۴

حضرت مهدی عج در آیات قرآن ..... ۵۸

امام زمان عج از دعوت کنندگان به بهشت ..... ۵۹

خبر پیامبر ص از حکومت حضرت مهدی عج ..... ۶۰

#### حدیث ۱۵

حضرت مهدی عج در منتخبین الهی ..... ۶۱

حضرت مهدی عج در آیه تطهیر ..... ۶۲

پیشگویی پیامبر ص از عدل حضرت مهدی عج ..... ۶۲

#### حدیث ۱۶

معرفی حضرت مهدی عج در حضور اهل سقیفه ..... ۶۴

#### حدیث ۱۷

حضرت قائم عج فرزند امام حسین ع ..... ۶۶

#### حدیث ۱۸

زندگی در دولت حضرت مهدی عج ..... ۶۷

#### حدیث ۱۹

دولت مهدی عج بهترین حکومت‌ها ..... ۶۸

## فهرست موضوعی

(شماره‌ها مربوط به صفحات کتاب حاضر است)

### الف. موضوعات اعتقادی

خلقت نورانی / ۱۱، ۲۹، ۳۰، ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۲.

امام دوازدهم / ۱۲، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵.

۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶.

۶۷.

همیشه با حق / ۳۸، ۴۳.

همیشه با قرآن / ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۵.

در بهترین خلق خدا / ۳۲.

در افضل امت / ۱۳.

در شریک‌های امیرالمؤمنین / ۱۵.

قوام زمین / ۳۸.

رئیسان محکم خدا / ۳۸، ۳۹، ۵۹.

کشتی نجات / ۳۹.

علم حضرت / ۱۴، ۱۵، ۲۳، ۲۶، ۳۹، ۴۲، ۵۲، ۵۴.

در آیه تطهیر / ۲۴، ۴۴، ۶۲.

در اولو الامر / ۴۰، ۵۲، ۶۵.

در شاهدان بر مردم / ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۴۴، ۴۵، ۵۴، ۵۹، ۶۲.

در حدیث کساء / ۲۳، ۲۴، ۴۴.

معرفی حضرت در غدیر / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳.

در حدیث کف / ۲۶، ۵۷.

کنار حوض کوثر / ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۵، ۵۹، ۶۲.

در بالاترین مقام بهشت / ۵۱، ۵۴.

ب . موضوعات تاریخی

- آخرین دولت / ۶۸، ۶۷، ۶۰ .  
پیشگویی درباره حکومت حضرت / ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۶۰، ۶۷، ۶۸ .  
نفس زکیه / ۴۷ .  
سفیانی / ۴۷، ۴۸ .  
ظهور حضرت / ۴۸ .  
یاران مهدی علیه السلام / ۴۸ .  
از کنار کعبه / ۴۸ .  
بیعت بین رکن و مقام / ۱۷ .  
نماز حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت / ۳۲، ۳۳، ۳۴ .  
عدالت حضرت / ۱۳، ۱۷، ۳۴، ۳۷، ۴۴، ۵۷، ۶۰، ۶۲، ۶۷ .  
انتقام حضرت / ۳۷ .  
رجعت / ۹، ۱۰ .

*First Edition:*

**1426 A.H / 2005 A.D**

**THE FIRST WRITTEN HERITAGE**

**ABOUT HAZRAT MAHDI (P)**

**Composed by: *Mohammad Baqer Ansari***

**Published by: *DALILEMA publications***

***Post Box No. 37185 - 1153, Qom, IRAN***

***Tel. : (0251) 7744988, 7733413***

***Printed in Qom, Iran***

**ISBN 964 - 397 - 127 - 9**

# **THE FIRST WRITTEN HERITAGE**

## **ABOUT HAZRAT MAHDI (P)**

By:

Mohammad Baqer Ansari